

● آنچه می‌خوانید، چکیده‌ایست از کتاب «تاریخ هنر گجبری دوران ساسانی و تأثیر آن در آثار هنری اسلامی»، از همین نویسنده که در حال حاضر زیر چاپ است. کتاب مذکور در زمینه شناخت عناصر و مؤلف‌های گجبری در طول دورانهای تاریخی و بخصوص در دوران ساسانی و همین تأثیراتی است که هنر گجبری، بعدها در آثار دورانهای اولیه اسلام سپس با تغییرات و تبدیلاتی منحصر به دوران هنر اسلامی در اغلب آثار معماری، فلزکاری، پارچه بافی و غیره داشته است.

مقدمه

یکی از شاخص‌های قومی و بومی هر ملت همانا اتکاء به دست‌آوردهائی است که در فرهنگ انسانی و اجتماعی از آن بعنوان هنر یاد می‌کنند که در حدّ اعلای خویش نمودار ارزنده‌ایست از احساسات و هیجانات درونی آن ملت، که بنا برخواست و نیات آنان در تداوم نسل‌های مختلف، رشته‌های متفاوت و متنوع را شامل می‌گردد. خلق و ایجاد هر نوع اثری که بتواند با عناصر گونه‌گون و متفاوتی در مجموع، یک کیفیت خاص را ارائه داده و ایجاد هیجان و احساس بکند، در واقع هنر محسوب می‌شود و این خلق و ابداع در واقع نشانگر روحیات هنرمندانی است که از میان مردم برخاسته و روحیه آن ملت و مردم را نشان داده و درخواست‌های جمعی نفوذ داشته‌اند. و همین آمال و خواسته‌های جمعی است که بعدها باعث تداوم و گسترش آن هنر می‌گردد و سبب می‌شود هنر بمعنای اخص کلمه در فرم‌های مختلف تظاهر یابد و هنرهای گوناگون را در طول نسل‌ها و دوران‌های مختلف تاریخی بوجود آورد.

شایستگی تداوم هر هنری بستگی به آرمانهای حکومتی نیز دارد و حکومت‌ها در تصمیم دادن آن نقش مؤثری را ایفاء می‌نمایند و بهمین علت ما در طی قرون متمادی در می‌یابیم که چگونه یک هنری پا می‌گیرد و استواری می‌پذیرد و سپس باوج خود میرسد، و در این گسترش در پیرامون خود هنرهای دیگر را شاخ و برگ می‌بخشد و حتی در خارج از مرزهای فکری هر قومی رخنه نموده و در هنرهای بومی ملت‌های دیگر تأثیر می‌گذارد و آثاری بدیع و ارزنده را نیز بر جای می‌نهد که مورد بحث و بررسی صاحب‌نظران آثار هنری قرار

گجبری دوران ساسانی و تأثیر آن در هنرهای اسلامی



می‌گیرد.

بکار می‌برده‌اند.

گچ‌کاری و استفاده از گچ بطور کلی در ایران سابقه‌ای طولانی دارد و بعنوان مثال می‌توانیم قدیمی‌ترین اثر گچی را که در کاوش‌های اخیر در هفت تپه خوزستان بدست آمده است، یاد کنیم که مربوط بدوران عیلامی است. در دوران هخامنشی و اشکانی هم تا حدی از این هنر استفاده می‌شده، لیکن در عصر ساسانی تکنیک و روش‌های خاصی به‌مراه نقوش و موتیف‌های مختلف حیوانی و انسانی و گیاهی و همینطور هندسی برای این هنر قایل شدند و در مجموع، از بکارگیری روش‌ها و تلفیق آن عناصر و موتیف‌ها در روی گچبری، مناظر جالب توجهی عرضه گردید که باعث تحولاتی در هنرهای دیگر عهد ساسانی و هنرهای دوران اولیه اسلام در ایران و خارج از ایران شد.

بطور خلاصه، با توجه به آنچه که در این نوشتار خواهد آمد و نظر به اهمیتی که این هنر در قالب‌های مختلف تزئینی خود در راستای هنر ساسانی داشته است، چنین بنظر می‌رسد که گچبری یکی از هنرهای ارزنده عهد ساسانی و دارای الگویی کاملتر و پیشرفته‌تر از دیگر هنرها و بیان‌کننده تاریخ هنر در این عهد می‌باشد و در حقیقت، در قالب طرح‌ها و موتیف‌های جالبی که ارائه گردیده، توانسته است در بعضی از صحنه‌های رزمی و بزمنی، بخصوص در گچبری‌های مربوط به طاق‌بستان، تاریخ مصور این عهد را نشان دهد که حاکی از رابطه‌ایست بین انسان و حیوان و طبیعت و با بررسی طرح‌های مختلف گچبری، در خواهیم یافت که این سه عنصر یا سه موضوع، در ابداع و خلق آثار گچبری دخیل می‌باشند، برای آنکه بتوانیم بهتر و بیشتر با هنر گچبری ساسانی، مبدأ و پیدایش و سیر تحولی و تکاملی آن آشنایی یابیم، ضرورتاً ادامه گفتگو در این باب را بصورت ذیل دنبال می‌نمائیم:

فصل اول: پیشینه تاریخی هنر گچبری در ایران
قبل از ساسانی

هنر ایران نیز از آغاز حیات خویش از دوران‌های پیش از تاریخ تا دوران آغاز تاریخی و سپس در دوران اسلامی دگرگونی‌های عظیمی را شامل گشته و چه بسا با کندوکاو بیشتری بتوان نشانه‌های بارزتری از این هنر جهانگیر را بدست آورد.

عصر ساسانی یکی از دوران‌های هنری تاریخ ایران بشمار می‌رود که بیش از ۱۴۰۰ سال از عمر آن گذشته است؛ هر چند که برخی از جلوه‌های هنری این عهد در گونه‌های هنر تشریفاتی و درباری، همچون معماری و مجسمه‌سازی و گچبری به اوج خود می‌رسند، باعث تعمیم هنرهای مترادف دیگری نظیر فلزکاری و پارچه‌بافی و منبت‌کاری نیز می‌گردد. همانگونه که از پدیده‌های موجود هنر ساسانی برمیآید، این هنر نشان دهنده آخرین دوره هنر شرقی و اساساً دارای ویژگی و سبب خاص ایرانی بوده است. این هنر در عین دریافت تأثیرات و نفوذ هنر بیگانه، هنرهای خارجی را نیز مطابق با سنت‌های سرزمین بومی اش پذیرا گردید.

بررسی سیر تداومی هنر در دوره ساسانی ما را به این حقیقت آشنا می‌سازد که هنرها در عین پیشرفت کار، مورد تأیید دوران‌های هم‌زمان خود نیز واقع می‌شده‌اند و با اندک تغییر و تبدیلی در آثار آن دوران‌ها و بخصوص دوران اسلامی تظاهر یافته‌اند.

یکی از هنرهای با ارزش این دوران، همانا هنر گچبری است که مکانی شایسته را برای خود در میان سایر هنرها کسب کرده است و در میان هنرهای مختلف ساسانی، مشخص‌تر و از نقطه نظر کاربرد و الگوی کار پیشرفته‌تر می‌باشد.

در دوران ساسانی گچ‌کاری و گچبری مقام مهمی در هنر تزئین داشته و پوششی جهت دیوارهای آجری و یا دیواره‌هایی که با قلمو سنگ ساخته می‌شده، بشمار می‌رفته است و بعلاوه از گچ، استوک‌های متعدد قالبی و کنده‌کاری شده میساخته و در تزئین بناهای حکومتی

فصل دوم: هنر گچبری در دوران ساسانی، شامل:
۱- کاربرد گچ و نحوه استفاده از آن، ۲- طبقه بندی موتیف ها و انواع آن، ۳- چند نمونه از آثار گچبری این دوران.

فصل سوم: تداوم و نفوذ گچبری ساسانی در آثار اولیه اسلام، شامل: ۱- تأثیر هنر گچبری در آثار هنر اسلامی (که خود مشتمل بر دو بخش است: الف: تأثیر گچبری در آثار هنری اسلام در داخل ایران، ب: تأثیر هنر گچبری در آثار هنری اسلام در خارج از ایران).
۲- تأثیر هنر گچبری در هنرهای بیگانه

فصل اول: پیشینه هنر گچبری در ایران پیش از ساسانی

۱- استفاده از گچ بعنوان عامل تزئینی در موتیف های گچبری

از دورانهای باستانی ایران آثار زیادی برجای مانده است نظیر تخت جمشید، نقش رستم، نقش رجب، تنگ سروک و غیره که در درونشان کاسخها و تالارهای با شکوه و هم چنین آثار نقوش برجسته و مقابر که هر کدام از اینها با رنگ و بوی خاص و دلپذیری آرایش یافته اند که در مجموع، یادگارهای پیشین مردم این مرز و بوم را تشکیل می دهند که مطالعه هر کدام از این آثار، طرح ها و موتیف های ارزنده ای را به ما ارائه میدهد که بیانگر احساسات و روح هنرمندان است و نشان میدهد که آنان فضاها را چگونه با طرح های زینتی خود جلوه بخشیده اند.

عامل تزئین، بعنوان آرایش بنا یا هر اثر هنری که نشان دهنده اعتلای هنر باشد، در دوران های مختلف فرق میکرده است، کما اینکه ما تزئین مختصر و مفیدی را بر روی سفال های ماقبل تاریخ ایران داشته ایم که بیشتر جنبه های جزئی داشته و بنا به میل و آرزوهای

افراد سازنده آن، زینت بخش آثار هنری بوده است که مشاهده آن موتیف ها می تواند برای هر بیننده صاحب ذوقی، تصوّر و فکری را که سازنده آن داشته، روشن نماید. از جمله صحنه های شکار، مراسم تدفین و یا شادی و دیگر موتیف های نظیر اینها.

در دوران تاریخی، مسأله تزئین بیشتر مورد توجه قرار گرفت و چه بسا بیشتر آثار هنری به لحاظ تزئیناتی که دارند، زیبایی و جذابیت خاص یافته اند که این مسئله در آثار نقوش برجسته تخت جمشید و در معماری کاخ ها و ستون ها و نیز مجسمه هایی که در دوران اشکانی ساخته شده است و نمونه هایی از این مجسمه ها در موزه ایران باستان وجود دارد، بخوبی هوک می شود. در اینگونه آثار، تزئینات بیشتر در حواشی بنا، روی دیوارها و نقاط دیگر بکار گرفته می شده و در ترکیب بندی اجزاء معماری و هم چنین کادربندی ها به نحو چشمگیری دخالت مؤثر داشته اند.

در دوران اشکانی، هنر گچبری دارای روش خاصی بوده که با فن بکارگیری این عامل تزئینی در عهد ساسانیان تفاوت داشته است. طرحهای گچبری در این دوره بسیار ساده اند و معمولاً از اشکال هندسی مدور استفاده کرده اند و بسیاری از این موتیف های مدور در داخلشان گلهای چهاربر ايجاد گردیده و این گلهای چهاربر نیز در میان خود لوزیهای متساوی الاضلاعی را دربر میگیرند و این نوع نقوش دایره ای حتی بر روی ظرفها نیز بکار میرفته است.

اشاره کردیم تزئینات اولیه بر روی سفال بود و بعد که به معماری توجه بیشتری گردید، عناصر و موتیف هایی نیز طرح گردید و از وجودشان در پیکره بناها استفاده شد. تزئیناتی که بوجود آمد، در ابتدا طرحهای بسیار ساده و ابتدایی بود، ولی با وفور عناصر و موتیف های تزئینی در روی نقوش برجسته، برای تزئین دیگر آثار هنری نیز مورد استفاده قرار گرفت و این فراوانی موجب گردید تا موتیف ها به سه دسته تزئینی بشکل هندسی، گیاهی و موتیف های انسانی بر روی

تا قبل از گسترش این هنر در دوران ساسانی، موتیف‌ها دارای قالب‌های کلاسیک بودند و طرح‌های نظیر تخم مرغ، نواریا ردیف یا پیچ و تاب و انحناهای زیاد در حاشیه‌های کوچک و قوس‌ها و طاقچه‌ها تظاهر می‌یافتند و اندک اندک پس از سیر دورانی، هنرمندان به ارائه طرح و موتیف‌های جالب‌تر فایز آمدند. بطور کلی گسترشی که در امر تزئین و ایجاد طرح‌های مختلف آن در دوران ساسانی به انجام رسید، باعث گردید که ناخودآگاه این موتیف‌ها در آثار هنری دوران اسلامی نیز نفوذ یابند و حتی تا دورتر از این مرز و بوم تأثیر گذارد. اما واقعیت اینست که این گسترش بوسیله یک ابتکار یا پدیده، خودبخود تجلی یافت نه بصورت تفسیر یک اختراع خالص بلکه در ترکیب عناصر این ابتکار هنری، نوعی محاسبات ریاضی در کار بوده است که هنرمند یا صنعتگر را وادار می‌ساخته است که برطبق آن محاسبات، به خلق طرح یا موتیفی که با قواعد ساختمان مورد نظر دمساز باشد، بپردازد، و با فرمولهایی که روش هر خط را در هر نقطه و حرکت و هر منحنی معین و معلوم می‌نموده است.

چنانکه در بررسی و تحلیل موتیف‌های گچبری مثلاً جسم مار پیچی را که به یک جسم واحد و مفرد تبدیل میشود، ملاحظه میکنیم و یا عناصری تزئینی را که شکل یک پرنده یا حیوان را برپیمان مشخص می‌سازد، در آثار گچبری می‌بینیم. در هر صورت می‌توان پذیرفت که برای تزئین هر چیزی اعم از ساختمان و غیره از سیستم خاصی برای ترکیب و سپس بصورت یک واحد مشابه در آوردن موضوعات استفاده میشده است و این امر در ابتدا بصورت ساده بود و تنها با تصاویر منفرد بر روی سفال‌ها استفاده می‌شده و کم کم عوامل گوناگون در آن وارد شده است و گسترش و تکامل یافته و ما این عوامل تزئینی را در فرم‌های مختلف ایرانی ملاحظه می‌نمائیم و شاید تحقیقات و بررسی‌های آینده بتواند عوامل و موتیف‌های تزئینی دیگری را غیر از آنچه که تا کنون

۲- موتیف‌های گچبری و مبدأ آفرینش آن‌ها

با توجه به آثار بیشمار که باقی مانده است و با نظایرش را در موزه‌های مختلف ایران و جهان و بخصوص در موزه ایران باستان داریم، چنین بنظر می‌رسد که مبادی اولیه موتیف‌های ابتدایی، طرح‌هایی در ردیف زیگزاگها یا خطوط موازی متحدالمركز بوده است که اکثراً بر روی ظروف سفالین ماقبل تاریخی و همینطور دوران آغاز تاریخی مورد استفاده واقع می‌شده است و محققاً این موتیف‌ها به ابتدایی‌ترین هنر و فرهنگ آسیایی مربوط می‌شود؛ چه آنکه در کارهای کوزه‌گری و سفالگری بچشم می‌خورند و در حدود چند قرن نیز بعنوان تزئین روی کوزه‌ها و ظروف سفالین بکار میرفته‌اند. این طرح‌ها در هر یک از ادوار تاریخی شکل و حالت مخصوص بخود می‌گرفته‌اند و گاهی از جنبه‌های کلاسیک و استیلیزه خارج و بصورت نقش‌های تزئینی کاملتری بکار گرفته می‌شده‌اند.

اولین الگوهایی که در کیش بدست آمده، نشان دهنده اینست که برای پیچش‌ها و خمیدگی‌ها از طرح‌های گچبری بهره گرفته‌اند و یقیناً این الگوها مربوط به هنر و فرهنگ یونان باستان بوده‌اند؛ چه آنکه پیچش‌های طولی اساساً از یونانی‌ها اقتباس شده است. در گچبری‌های عهد ساسانی نیز ما طرح‌هایی شبیه چلیپا و خطوط شکسته داریم که بعنوان شیوه‌های آرایشی برای کوزه‌گری و سفال در هنرهای پیش از ایندوره بکار میرفته و در اکثر ظرف‌ها، خواه در بدنه و یا لوله دست آنها، طرح‌های جالبی از خطوط شکسته متصل و نیز تقاطع شکل‌های هندسی را می‌یابیم که هم در اشیاء یونانی و هم در اشیاء یافته شده ایرانی، از یک الگوی همگانی و شبیه بهم مستفاد شده‌اند. صرفنظر از سیستم طراحی، نوعی لطافت و ترکیبات خاصی را میتوان در تمامی آنها یافت که به هنر هندسه آسیائی شباهت دارد و این

نمونه ایست از تمایلات روح شرقی که در اشکال دیگر رخنه کرده است. گذشته از خطوط مستقیم و اشکال هندسی مثلث و لوزی و مربع شکل، در میان طرح‌ها می‌توان دوائر متحدالمرکزی نیز یافت که در آثار کوچک



طرح استیلزده از روی یک سیلندر که از قیروان بدست آمده است.

گچبری تأثیر گذارده‌اند، می‌توانیم از طرح‌های روی مهر و سیلندرها نیز یاد کنیم که در رابطه با هنر بین‌التهرین می‌باشند که در ایران اینگونه الگوها بنام برگ‌های چهار ترکه‌ای خوانده می‌شوند و شامل قطعاتی از دایره‌های الحاقی می‌باشند که در مهرهای استوانه‌ای سومری‌ها بکار آمده و با ظهور آن در بابل نظیرشان نیز در قرن نوزدهم ق.م بر روی سفالهای حلف بیچشم میخورد. در هنر آشوریان، دایره‌ها به یک تزئین معماری مبدل شده‌اند و در کاخ نینوا می‌توان اینگونه طرح‌ها را بصورت سنگفرش ملاحظه نمود. در هندوستان نیز نمونه‌ای از این شکل بصورت انواع پالمیرا^۴ مورد استفاده قرار گرفته است.

با مروری بر آثار پیش از تاریخ و دوران آغاز تاریخی دریافتیم که اصولاً نقش یا طرحهای روی ظروف، بیشتر جنبه استیلزده و غیرطبیعی (تصویر شماره ۱، ۲، ۳، ۴) داشته‌اند، لیکن در عصر ساسانی هنرمندان سعی میکنند تا با تم شرقی، فرم‌ها را توسعه دهند و تزئینات با حالت طبیعی خود ظاهر می‌شوند. یعنی اگر شاخ و برگ درختی و یا نقش حیوان و انسانی مورد نظر است، بهمان ترکیب رئالیستی^۵ خود تظاهر می‌یابد و در نتیجه طرحها و موتیف‌های اصلی به دستجات گیاهی و انسانی و حیوانی جلوه دهنده هنر گچبری در عهد ساسانی میشوند.



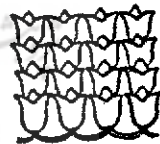
طرح استیلزده گچبری که از آثار قلمکهنه (قلمه بزرگ) کشف شده است. و در اصطلاح بنام حلقه‌ای مشهور است.



طرح استیلزده دیگر بصورت هندسی که در آثار طاق‌بستان وجود دارد. و در اصطلاح بنام قلب معکوس شهرت دارد.

۳- روش‌های گچبری و کاربردی آن بطور کلی

در دوران اشکانی هنر گچبری دارای روش خاصی بوده که با دوران ساسانی تفاوت دارد و در عهد ساسانی نیز برای بر پا داری گچ بر روی بنا بعنوان تزئین، روشهای دیگری اعمال میشده که با دورانهای اسلامی متفاوت می‌باشد. اما بطور کلی مواد اولیه برای بر پاداری گچ در هر دوره یکسان بوده و تنها نحوه فرم دادن به گچ و شکل بخشیدن به آن فرق میکرده است. از آثار باقیمانده گچبری در نواحی مختلف ایران چنین بر میآید که تزئین دیوار و یا قسمت‌های دیگر ساختمان



طرح استیلزده در گچریهای کاخ شوش مربوط به دوران هخامنشی. تصاویر ۱ و ۲ و ۳ و ۴: طرحهای استیلزده در آثار گچبری.

ناحیه کیش^۳ برای آرایش ظرف استفاده میشده است و گاهی همین دوائر پیچش درخت مورا نیز شامل می‌شود که در کندهکاری‌های آشوری با یک سادگی خاص بکار رفته‌اند.

با مطالعه موتیف‌هایی که در مبدأ آفرینش طرح‌های

بوسیله گچ دارای روش و اسلوب خاصی بوده است و چنانکه مشاهده میشود، بر روی آجر یا روکش دیوارها بهمانگونه که تا کنون ادامه یافته است، تعبیه میشده و یا اینکه پس از بنای ساختمان بصورت حاشیه و یا فتیله ای بر روی آن گچ را کلاف میکرده و می چسبانده اند، و این روشی است که از زمان اشکانی و تا امروز هم معمول بوده است. معمولاً بر روی عنصر گچبری، ماده لعابداری مانند کتیرا یا نشاسته و حتی شیر میمالیدند که ساییده نشود و دلیل رنگ شکری روی گچبرهای بدست آمده، همانا کشیدن این ماده لعابدار بر روی آنها بوده است. گذشته از کتیرا و نشاسته، گاهی از گل سفید و گل سرشوی و گل گیوه و سفیدآب و مواد دیگر شبیه بدانها استفاده میشده است.

درباره اینکه چگونه گچبری ها را میساخته و سپس روی دیوار قرار میداده اند، عقاید مختلف است. عده ای معتقدند که بیشتر این گچبرها قالبی بوده است، بدین ترتیب که قالب هایی داشته و گچ را در داخل آنها میریخته اند و سپس کار میگذاشته اند، که این عقیده نادرست است. زیرا آثار برجای مانده نشانگر این واقعیت است که گچ را بر روی دیوار یا جائیکه مورد نظر بوده قرار میداده اند و سپس در همانجا به تراشیدن زواید و فرم دادن به گچ میپرداخته اند و این مسئله بوضوح روشن است که گل و بوته و شاخ و برگها و حتی صور پرنده گان و حیوانات و انسان ها روی گچ با قلم ایرانی و در جای خود طرح و پیاده شده است. معمولاً گچ زنده را بر روی محل میمالیده و تا زمانی که خشک و سفت نشده به آن نقش میداده اند و همانطور که در بالا اشاره شد، سپس ماده ای شیری رنگ و چسبنده را بر روی آن می پاشیده اند تا نقش کاملاً خود را نشان بدهد. پس از اینکه فرم ها پرداخت شد و طرحها جلوه کردند، با وسایلی، زواید اطراف موتیف ها و عناصر تزئینی را برداشته و برای اینکه نقش آفرینی شان کامل گردد، بر روی آنها با رنگ هایی نظیر قوتمز و آبی و زرد نقاشی میکرده اند که

البته مرور زمان، قسمت اعظم نقاشی های روی گچبری ها را از بین برده است. ضرورت دارد به این مطلب نیز اشاره شود که در جوار بر پاداری گچبری بر روی دیوار، در زوایای کار، مجسمه هایی با تم گچبری نصیب میشده است. بطور مثال در تیسفون و کیش چند مجسمه نیم تنه از بهرام گور و چند سوزن بدست آمده که نشان میدهد که به همراه گچبرها بوده اند. این مجسمه ها بیشتر بر روی جرزها و دیوارهایی که قبلاً با گچ سفید شده اند، چسبانده میشده و رویشان را با رنگ نقاشی میکرده اند.

روش های گچبری و کاربردندگی گچ بسبک هخامنشیان و ساسانیان، در دوران اسلامی نیز مورد توجه قرار گرفت و همراه با توسعه و گسترش هنر معماری و تداوم آن در عصر اسلامی، روش های گچبری نیز بکار گرفته شد تا آنجا که نقش های هندسی و گل و بوته و

- تصویر شماره ۵: محراب مسجد جمعه اردبیل که دارای تزئینات گچبری و مقرنس کاری در داخل محراب بسبک دوران اولیه اسلامی است.



شاخ و برگ به داخل محراب مساجد راه یافت (تصویر شماره ۵) و این هنر ارزنده در زمان سامانیان و غزنویان و آل زیار دارای اصول خاصی گشت که ادامه آن در عصر مغول و قرن هفتم و هشتم هجری به تکامل و اوج خود رسید، لیکن از این پس بعلمت استفاده بی حد از کاشی های الوان و آجرهای لعابدار کم کم رو به انحطاط رفت و ما از دوران صفویه بعد کمتر آثار گچبری جالب و زیبا می یابیم و آنچه که از دوران زندیه و قاجاریه بجا مانده، قطره ای است از دریای بیکران هنر گچبری و این بی توجهی به اهمیت هنر مزبور باعث شد که بیشتر این گنجینه های ذیقیمت نیز از بین برود و آنچه که در حال حاضر باقی مانده و در موزه ایران باستان و یا در اماکن تاریخی وجود دارند حاصل بررسیهای علمی و کاوشهایی است که انجام شده و در نتیجه مراقبتی است که از باقیمانده آثار هنر گچبری بعمل می آید. لیکن باز هم تحقیق و مطالعه پیرامون این هنر ضرورت دارد تا بیشتر بتوان با خصوصیات آن آشنا گردید.

فصل دوم: هنر گچبری در دوران ساسانی

۱- کاربرد گچ و نحوه استفاده از آن

همانطور که اشاره شد، در شروع معماری ایران از آغاز تاریخ و دوران هخامنشی و سپس در دورانهای اشکانی و ساسانی، به مسئله گچ توجه و از آن بعنوان یک ماده سازنده و استوار استفاده شده؛ کما اینکه بعنوان ملاط جهت طاق ها و جرز دیوارها از این ماده بهره وری میشده است.

پس از دوران پارتی ها که دارای سبک و تمدن و حتی هنر خاصی بوده و بیشتر از روش های یونانی (هلنیستی)^۷ استفاده میکرده اند، در دوران ساسانی بعنوان دست یازیدن به ابتکاراتی جدیدتر، به هنر با ویژگیهای خاص خود توجه نموده و عنقریب توانستند عواملی نوظهور، از جمله اشاعه و گسترش طاق و

طاق سازی و در مرحله تکمیل، کاخ سازی را رونق فراوان دهند که معترف یک هنر خاص در یک دوره خاص گردید و در هنر دوران اسلامی ضمن تأثیرگذاری، به تکامل گرائید.

ساده ترین نمونه این طاقی ها، فرم چهارطاقی است که از یک فضای مربع شکل و چهارستون بالا آمده و یک گنبد کوچک شبیه عرقچین بر رویش، تشکیل شده است که این گنبد یا طاق، بیشتر در ایران بعنوان چهار ترک معمول بوده است و معروفترین نمونه این چهار طاقی ها، چهارطاقی نيساريا نسا یا نيزار در نزدیکی کاشان است. این آتشکده در نزدیکی چشمه ای بین کاشان و دلیجان واقع شده و بدون بکار بردن چوب و هیچگونه مصالحی جز سنگ، با گچ و نسی ساخته شده است که نمونه ارزنده ای است برای نشان دادن کاربرد گچ در این ساختمان. در این چهارطاقی، گچ بعنوان ملاط بکار رفته است. زیرا بخاطر خاصیت چسبندگی می توانسته است قله سنگهای بهم برآمده ای را که تشکیل مکعب چهارطاقی میداده اند، درهم بیامیزد و بهم بچسباند و در فواصل ردیف آجر و سنگها، این ماده مورد استفاده قرار گرفته است.

گذشته از بکارگیری گچ در دوران ساسانی جهت ملاط، این ماده برای طرح اندازی گنبد نیز کمک موثری بوده است. بدینصورت که معمار، روی زمین و یا در سطحی گچی، مقطع گنبد و محل آخرین آجر چین را رسم میکرده. یعنی با استفاده از گچ نم داده یا گچ خشک می توانسته طرح گنبد را در آخرین مراحل بریزد و بعد در فاصله معینی از سطح خارجی گنبد و موازی با آن خطی بکشد و بعد آنرا با سنگ، بیا دیواره خاکی، محدود و همانطور که هنوز هم این روش معمول است، قالبگیری کند. سپس نسی هایی را که در این قالب قرار داده، با ملاط گچ که مقاومت متوسطی دارد پر میکند و از این قالب، هشت قطعه نیم قوس گچی مسلح به نسی درست میکند که از جهت جانبی شککننده، ولی از جهت

طولی مقاوم است. بعد آنها را به بالای ساختمان برده و در امتداد محورها و اقطار گنبد سوار میکنند و سر آنها را در رأس گنبد بوسیله گچ بهم متصل میکند و پایه ها را نیز روی آخرین سنگ چین قاعده گنبد محکم میکند. در سرطاقی های هلالی شکل نیز از گچ بسیار استفاده میشده است. چهارطاقی نیسا^۱ یا نسا در مجموع، کاربرد سه گانه گچ را در دوران ساسانی بصورت ذیل بما نشان میدهد: ۱- بکارگیری گچ بصورت ملاط. ۲- بکارگیری گچ برای زدن نیم قوسهای زیرگنبد. ۳- بکارگیری گچ برای هلالهای گچی.

و این مسئله مشخص میسازد که در دوران ساسانیان در ابتدای کار، استفاده از گچ را جهت استحکام بیشتر بناها ضروری میدانسته اند و مراحل سه گانه فوق نیز در بناهای با شکوه و کاخهای عظیم با طاق ها و گنبد های سترگ نیز بانجام رسیده است.

در دوران ساسانی، بمنتظر استفاده از گچ و بر پاداری موتیف های گچبری، دو موضوع در نظر گرفته میشده است: ابتدا انتخاب محل گچبری و سپس عرضه آن در محل انتخاب شده؛ یعنی در وهله اول انتخاب محلی که نمایشگر ذوق و استعداد هنرمند گچکار باشد و ضمناً تناسبی با موقعیت مکانی اثر داشته باشد و در وهله دوم عرضه اثر گچبری یا طرح و نقشی است که آفرینش عنصر تزئینی را باعث شده باشد. در مرحله نخست کاربرد این عنصر را بر روی ستونها بیشتر از هر جای دیگر ملاحظه می نمایم و همانگونه که در عهد پیش از ساسانی نیز در روی ستون، تزئیناتی ارائه میداده اند، با استفاده از پالمت ها^۱ و سایر موتیف های تزئینی اعم از گیاهی و یا هندسی و یا از تلفیق این دو با هم انجام میشده است.

تزیین روی ستون در زمان ساسانیان تکامل یافت و در دوران اسلامی مورد تقلید واقع شد. هنرمندان برای تنوع بخشیدن به تزیین آنها، فرمهای مختلف گچبری را بر روی ستونها پیاده کرده و در برخی موارد که قطر

ستونها خیلی زیاد بوده و ظرافت در آنها دیده نمی شود، با ایجاد نقش هایی بطور عمودی و موازی، این نقیصه را برطرف و ضخامت را به نوعی ظرافت تبدیل کرده اند. آثاری از اینگونه آرایش با تزئینات گچی را در کاخ بیشاپور و دامغان و مسجد جامع نائین داریم که ستونهای آجری را با گچ پوشانده و گچبری کرده اند. پس از آرایش ستونها، دیوار بناها و کاخها نیز برای ابداع و ایجاد فضاهایی که بتواند عناصر گچبری را بنمایش بگذارد محل مناسب تشخیص داده شده و گنبد و سقف و ورودیها و همینطور طاقچه ها نیز در این عهد از طرحهای گچبری بی نصیب نماندند که نمونه های ارزنده آنرا در کاخ چال ترخان^۱ ری و کاخ تیسفون بدست آورده اند.

آثار گچبریهای دوره ساسانی نمایانگر این واقعیت اند که هنرمندان این فن تمایل داشته اند که هم ردیف حجاریهای عظیم هخامنشی، از شاهکارهای عهد خود در زمینه های گچبری، آثاری را آشکار سازند و در این راه با کوشش بسیار نسبت به ابداع روش های اصولی و انواع طرحهای گچبری دست یافتند، تا آنجا که در تیسفون (کاخ ساسانی) ۸ نوع، و در کاخ کیش باندازه^۲ ۴۰ نوع مختلف موتیف را بوجود آوردند و این گسترش تنوع طلبی در طرحها و موتیف ها نشان دهنده ذوق هنرمندانی است که در تکاپوی هر چه بهتر و زیباتر نشان دادن موتیف های گچبری بوده اند، در مورد طرز بکارگیری و بر پاداری گچبری اشکانیان، پیش از این سخن گفتیم و جا دارد به این نکته نیز اشاره نمایم که در دوران ساسانی، در این زمینه بهمان روش اشکانی، منتهمی با دیدی جامع تر و اصولی متحول تر برخورد شده است و همانا تنوع طلبی با الهام از دیگر هنرها در این عصر، باعث گسترش شیوه و ارائه طرحهای بهتر و ارزنده تر گردیده است و ضمناً استفاده از رنگ های دلپذیرتر که رل عمده ای را در تزیین فضاهای معماری و نقوش و اشیاء گچی در دوره ساسانی بازی می نماید،

نقش پذیری هنر گچبری را در این عصر شکوفاتر می نماید.

گذشته از کاربرد گچ و گچبری بر روی بنا، می توانیم این هنر را بصورت مجسمه های برجسته و نیم برجسته و نیز مجسمه های تزئینی بیابیم که در دوره ساسانی به نهایت درجه ظرافت و تکامل خود رسید و بخصوص در زمینه نقوش انسانی و یا صورت سازی، همراه گل و بوته و نقوش هندسی تظاهر یافت. اما این نکته قابل توجه است که با ظهور اسلام، کم کم صورت سازی و شمایل سازی منع گردید و آثار گچبری محدود شد بهمان نقوش هندسی و گیاهی و یا ترکیب و تلفیق آنها.

سبکهای مختلف گچبری، طی قرون متمادی، تغییر و تحولاتی را شامل گشت تا آنجا که در دوران اسلامی در طراحی نقش روی کاشی ها نیز عناصر گچبری نمایان گردید و بجای طرحهای زنجیره ای و قیطانی، بتدریج نقوش ظریف و ریز رنگین معمول شد که گاهی ظرافت آنها شباهت فوق العاده ای با نقاشی پیدا میکرد. در دوران اسلامی، دیگر نقوش بصورت درشت و ضخیم عهد ساسانی مشاهده نمی شود و از جنبه های تمثیلی نیز خارج شده و کاملاً بصورت تزئینی مشاهده می شود و با رشد و توسعه انواع موتیف ها جایی را در مساجد بزرگ دوران اسلامی برای خود باز میکند و هنرهای بیگانه را نیز تحت تأثیر قرار میدهد و آنان نیز آثاری عرضه می نمایند که با میراثهای کهن این سرزمین مطابقت می نماید. باید توجه داشته باشیم، بهمین نسبت ساسانیان هم در آثار هنری از روش های بیگانه سود جسته اند و تا حدودی از شیوه های یونانی بهره برده اند و نیز در پیکرتراشی هم از تجارب یونان و روم بی بهره نبوده اند. بررسی هنر این عهد می تواند تا حدودی رابطه هنر ایران را با هنرهای دیگر ممالک نشان دهد که چگونه این نوع ارتباط باعث گردیده است تا کم کم فضای هنری ایران گسترش یافته و تا قرنهای بعد تداوم

یابد و امروزه ما این تأثیر و تأثرات را در آثار بازمانده در داخل و خارج از مرزهای کشورمان ملاحظه می نمایم.

۲- طبقه بندی موتیف های تزئینی در گچبری ساسانی

با تحولی که هنر گچبری در دوران ساسانی یافت، موتیف های آن نیز کم کم رونقی گرفت و پربارتر از دوره قبل از خود راه کمال را پیمود. بررسی آثار و بازمانده های با ارزش گچبری، این امکان را بما میدهد تا بتوانیم نمونه های ارزشمندی از موتیف های گچبری این دوره را که ناخود آگاه در تأمین نقش های قالی، ظروف فلزی، مجسمه سازی و فرم های تزئینی نقوش برجسته، چه در داخل و چه در خارج ایران، تأثیر گذاشته است، بیابیم.

در شناخت طرح و فرمهای گچبری این دوران معمولاً محققین تنها به تشریح موتیف های گیاهی یا حیوانی پرداخته اند. لیکن گستردگی طرحها ایجاب می کند که ما آنها را به چهار دسته بارز و مشخص تقسیم و هر کدام را بطور جداگانه تشریح نمایم.

بطور کلی نقوش گچبری، از نقطه نظر طرح های ارائه شده موجود، به ۴ دسته تقسیم میشوند:

الف: نقوش هندسی که شامل طرحهای استیلز هم میشوند.

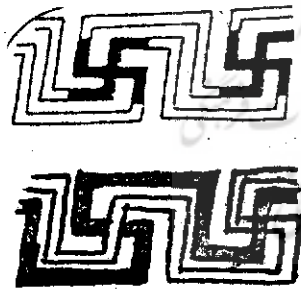
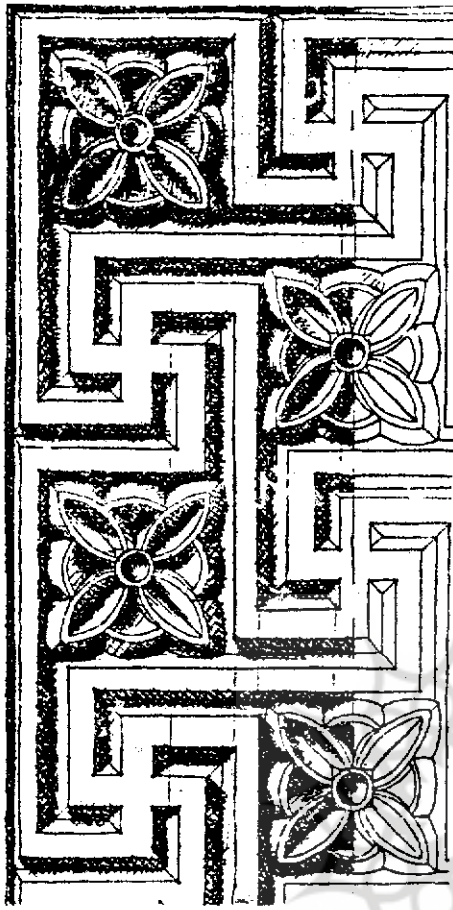
ب: نقوش گیاهی که شامل شاخ و برگ ها، نقش پالم، روزت^{۱۱} و کنگره^{۱۲} است.

ج: نقوش حیوانی و انسانی که شامل فرم های اساطیری نیز میشوند، و تلفیق هر سه نوع با هم.

د: نقش خط و کتیبه در آثار گچبری.

الف: نقوش هندسی در طرحهای گچبری

این نوع از نقوش، معمولاً از خطوط مستقیم و شکسته



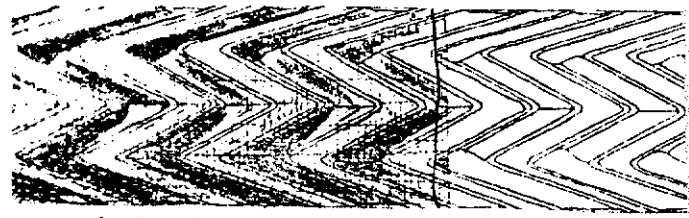
- تصاویر ۶ و ۷: نقش تزئینی هندسی، بصورت صلیب شکسته و یا چلیپا که اغلب بطور مجزا و منفرد با ترکیبی از گل لوتوس یا پالمیت بکار رفته است.

عهد سلجوقی، با آنکه ادامه دهنده کارهای گچبری عصر ساسانی است، با این حال از موتیف‌های غربی نیز سود برده است. در گچبری‌های این دوره، عناصر تشکیل

در حالات مختلف در کادرهای گچبری شده پنجم می‌خورند و غالباً در حاشیه متن گچبری بکار آمده است. در ترکیب‌های هندسی، نقش صلیب شکسته و یا چلیپا^{۱۳} دیده شده که اغلب بطور مجزا و منفرد با ترکیب‌های گل‌های لوتوس^{۱۴} و یا پالمیت در آمیخته‌اند (تصویرهای شماره ۶، ۷). در اینگونه موارد، هنرمند معمولاً فضا‌های خالی را با موتیف‌های تزئینی گیاهی پر کرده است. در آثار کاخ چال‌ترخان بر روی گچبری‌های ستون قصر ساسانی اینگونه ترکیب‌ها وجود دارد. از جمله نقش‌های تکراری که در گچبری ساسانی بکار گرفته می‌شود، طرح‌های مربوط به دایره‌ها و منحنی‌هاست که می‌توان گفت نقش اصلی را در این دوره بعهده دارند و در تداوم موتیف‌های گچبری اشکالی بکار برده شده‌اند. معمولاً این نوع موتیف بصورت پیچک‌های مو و در بعضی قسمت‌ها بشکل ویرگول ظاهر می‌شوند که در مرکز نقش چلیپا و یا صلیب شکسته منحنی و دایره شکل باندازه‌های گوناگون، گاهی ساده و گاه توپر به شکل حلقه‌های زنجیر، بکار گرفته شده‌اند و گاهی نیز شبیه به گل‌های لوتوس، متن میانی گچبری را دربر می‌گیرند. پرفسور پوپ در کتاب «هنر معماری ایران» در این زمینه اظهار داشته است: «دوایر، بخصوص زمانی که تشکیل گل‌های چهاربر را می‌دهند، بازنگهای طلایی و یا سیمین رنگ آمیزی شده بودند و باز از رنگ‌های لاجوردی و ارغوانی و سبز تیره نیز استفاده شده است.»^{۱۵} در طرح‌های گچبری این دوران کمتر نقش کثیرالاضلاع پنجم می‌خورد، لیکن طرح‌های مربع و مستطیل شکل که بعنوان قاب گچبری استفاده شده و حاشیه‌ها را دربر می‌گیرد، فراوان است. اینگونه طرح‌ها در آثار طاق کسری و کاخ کیش و نیز در یکی از نقش‌های شکارگاه روی گچبری کاخ چال‌ترخان قرار دارد. (تصاویر شماره ۸، ۹ و ۱۰)

در دوران اسلامی، نقش کثیرالاضلاع در فرم هندسی جلوه می‌نماید (تصویر شماره ۱۱). بطور مثال گچبری

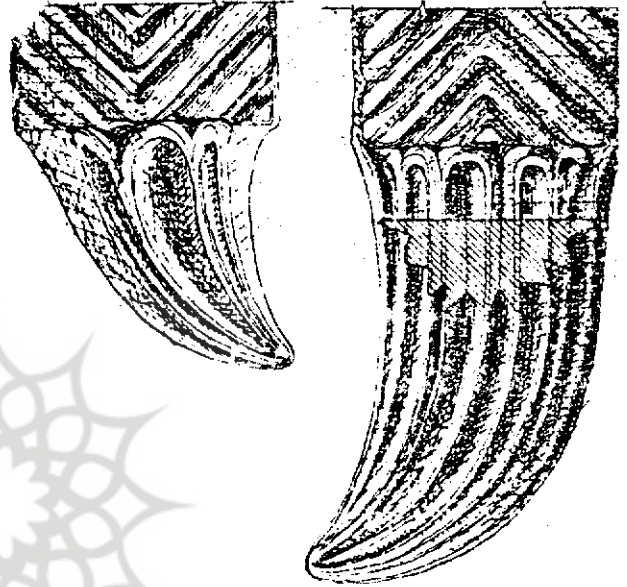
وجود دارد و گاهی بین اشکال هندسی و گیاهی نیز با صورت سازی تلفیقاتی بوجود آمده است، چنانکه در اغلب کتیبه های این عهد طرحهای هندسی و گیاهی زینت بخش هنر معماری میباشند و در میان آنها طرحهای صلیب شکسته و پا چلیپا را در نقوش آجری ملاحظه میکنیم که هنرمند، بوسیله ابعاد آجرها، نقش های جالبی را ایجاد کرده است^{۱۶}.



الف: خطوط شکسته و موازی.

ب: نقوش گیاهی در طرحهای گچبری

در آثار بازمانده گچبری مشاهده میشود که قسمت اعظم آنها را نقوش گیاهی تشکیل داده است که در محدودیتی خاص، زینت بخش این آثار گشته اند. در فرم های ترکیبی گیاهی، تا حدودی طرحهای هندسی جای خود را به طرحهای گیاهی داده اند، منتهی با اندکی تغییر و با کاربردی از طرحهای استیلیزه که در نوع خود بی نظیر بوده و طرح های گچبری را شامل شده اند. قطعاتی از گچبری دارای طرحهای گیاهی با نقوش استیلیزه، در شهر تیسفون بدست آمده که اینک زینت بخش تالار ساسانی موزه متروپولیتن در نیویورک می باشد. در این قطعات، در قسمت میانی، یک شاخه از برگگی شبیه به سرو و یا چنار دیده میشود که مرکب از پنج برگ شکفته پالم است. شاخه های کناری، برگهای نیمه باز پالم را مجسم می نمایند که آنها نیز دارای ۵ برگ در هر طرف می باشند.

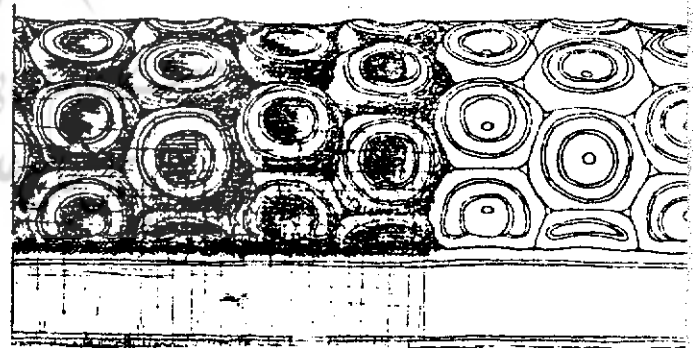


ب: تلفیق زوایای موازی و منحنی و خطوط راست.

مهمترین نقوش گیاهی که در آثار گچبری عهد ساسانی مشاهده میشوند، اشکال زیر هستند:

پالمت، نقش تاک و پیچیک، گل نیلوفر، میوه انگور، کانتوس، نقش گل لوتوس و روزت، نقش بلوط و نیز نقش هایی شبیه به برگ استیلیزه شبیه به برگ انجیر و نخل و کنگر و نیلوفر.

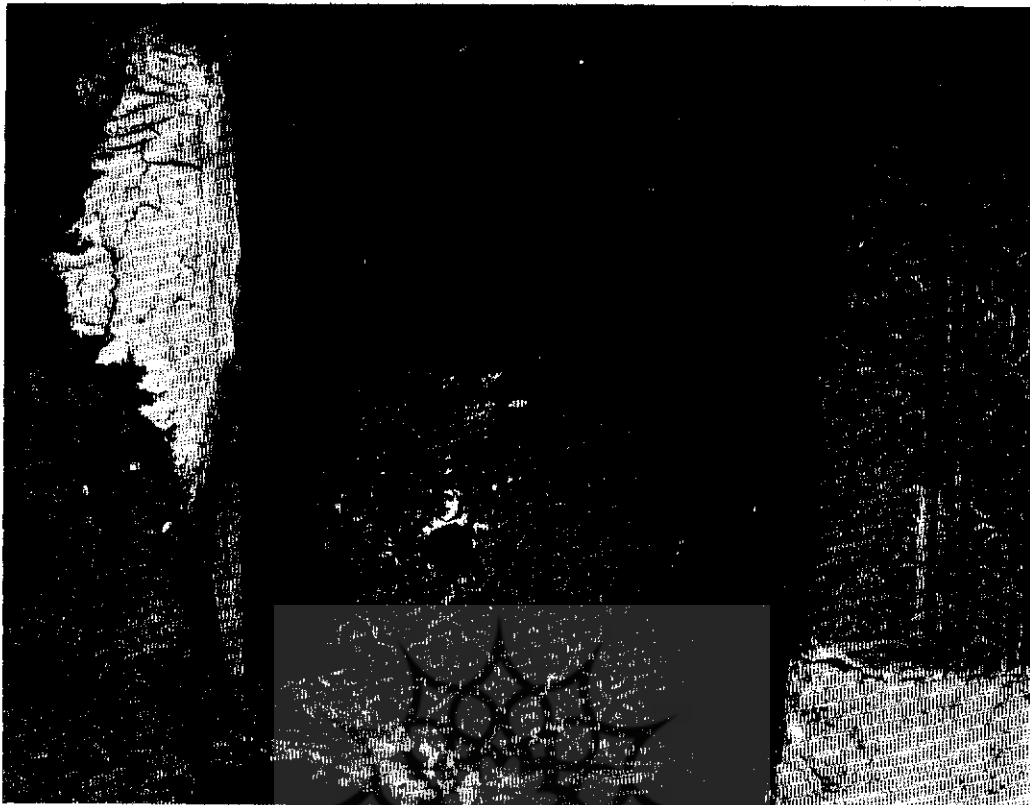
پالمت - نام نوعی گیاه است که در سرتاسر دوران تاریخی و حتی ماقبل تاریخی بر روی نقوش سفالینه ها به انواع مختلف آن برمیخوریم. فرم این گیاه در



ج: دایره های متحدالمرکز در حلقه ای.

- تصاویر ۸ و ۹ و ۱۰: طرحهای هندسی در آثار گچبری.

دهنده طرحها، همان شکل های ساسانی است و در صورت سازی نیز وجه مشابهی با صورت سازی آن عهد



تصویر شماره ۱۱: محراب مسجدی است از اوایل اسلام در استان یزد که طرحهای گچبری شامل طرح زنجیره ای و گل های چهاربروکادرهای مستطیل را نشان می دهد.

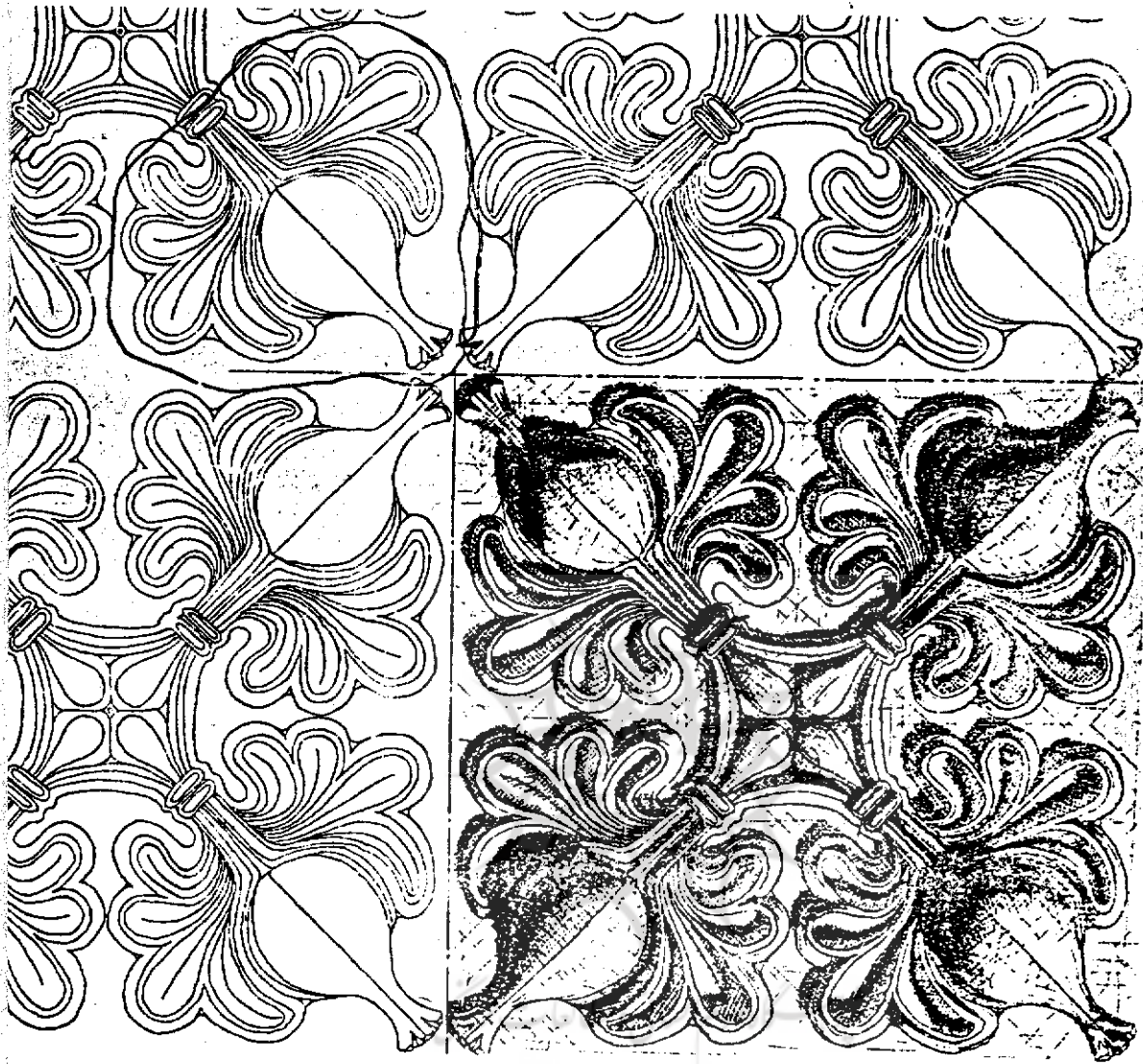
موتیف های مذهبی جنبه تقدس داشته و بعنوان شگون و برکت مورد استفاده قرار می گرفته است، بهمان گونه که گل روزت یا نیلوفر وترکه های درخت انار همواره در نقوش برجسته هخامنشی حضور داشته، در آثار این دوران نیز بچشم می خورد.

نقش پالمت در آثار کاخ کیش و تیسفون و در تمدن عیلامی شوش و آثار بین النهرین مشاهده و در نقوش برجسته آشوری و سومری نیز این نقش بصورت درخت نخل بطور واضح و آشکار مجسم شده است. طرح پالمت بعدها تکامل یافت و فرم اسلیمی بخود گرفت و در نقش های فرش و کاشی وارد گردید.

گل لوتوس و آکانتوس — آکانتوس برگی است شبیه به کنگریا تاک و تقریباً از نظر فرم نزدیک به برگهای پالمت می باشد، ولی برگهای آن پهن تر است.

گل لوتوس از نقش های منحصر به فرد در نقوش برجسته هخامنشی ها بوده و در حواشی حجاریها بکار گرفته شده است. در قطعاتی از گچبریهای بدست آمده در چال ترخان که اینک در موزه ایران باستان است، این گل در اندازه های مختلف و صور گوناگون ملاحظه میشود. نیلوفر دارای زیبایی منحصر به فردی است که بعنوان سمبل و نمودی در آثار هنرمندان مشاهده شده است.

نقش تاک و پیچک — این نوع طرح قبلاً در نقوش بین النهرین بکار گرفته میشده است و در ایران نیز در گچبریهای مربوط به کاخ چال ترخان و در قسمتی از آثار گچبری کاخ کیش که اینک در موزه ایران باستان نگهداری میشود، نقش انگور را مشاهده می نمائیم. بر روی گچبری چال ترخان، بر روی شاخه ای از درخت



تصویر شماره ۱۲: طرح برگ انار که بر روی ساقه متحدالمرکزی قرار دارند و این طرح گاهی بصورت استیلیزه تظاهر یافته است.

(۱۲)

نقش بلوط — میدانیم که یکی از درختان قدیمی ایران زمین درخت بلوط است که از میوه آن نیز استفاده میشده و هنرمندان هم از طرح آن در تزئین گچبریها الهام گرفته اند. نمونه ای از نقش بلوط در آثار گچبری کیش در مقاله «گچبریهای دوره ساسانی» نوشته بالتروسای ارائه شده بود، لیکن در موزه ایران باستان اثری وجود

نماک، پرنده ای شبیه عقاب یا کبک دیده میشود و اطراف آن نقش گل و بوته و انار نیز در هر دو اثر موجود بچشم میخورد. در برخی از آثار گچبری، طرح برگ انار بر روی ساقه متحدالمرکزی قرار دارد ندکه آنها از غنچه تا مراحل گل و میوه و گاه بصورت طرحهای استیلیزه ملاحظه میکنیم؛ طرح یاد شده بعدها در نقش اندازی بر روی فرش و قالی بکار گرفته شده است (تصویر شماره



تصویر شماره ۱۳: در این تصویر نقوش تزئینی مختلف از قبیل شیر، درخت زندگی و همچنین نقوش گیاهی از قبیل روزت پالم، برگ کنگر و گل لوتوس مشاهده می‌شود که ترتیبات یک بشقاب نقره‌ای ساسانی را شامل می‌شوند.

یکدیگر، پدیده‌های ارزنده‌ای را بنیاد نهند که بعدها در طرح اندازی قالی، موزائیک و کاشی و نقاشی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. (تصویر شماره ۱۳)

ج: نقوش انسانی و حیوانی در طرح‌های گچبری

تعداد زیادی از آثار گچبری که در حال حاضر زینت بخش موزه ایران باستان و چند موزه خارجی است،

نداشت که عکسی یا تصویری از آن تهیه و در این گفتار ارائه شود.

با بررسی نقوش گیاهی در آثار گچبری درمی‌یابیم که بطور کلی طرح‌های گیاهی دارای صور گوناگون و تا حدی تخیلی بوده و بخصوص انحنای برگها مانند برگ انجیر، موه، نخل، کنگر و نیلوفر و نیز نقش‌های هندسی متداول بوده و هنرمندان توانسته‌اند با تلفیق آنها با





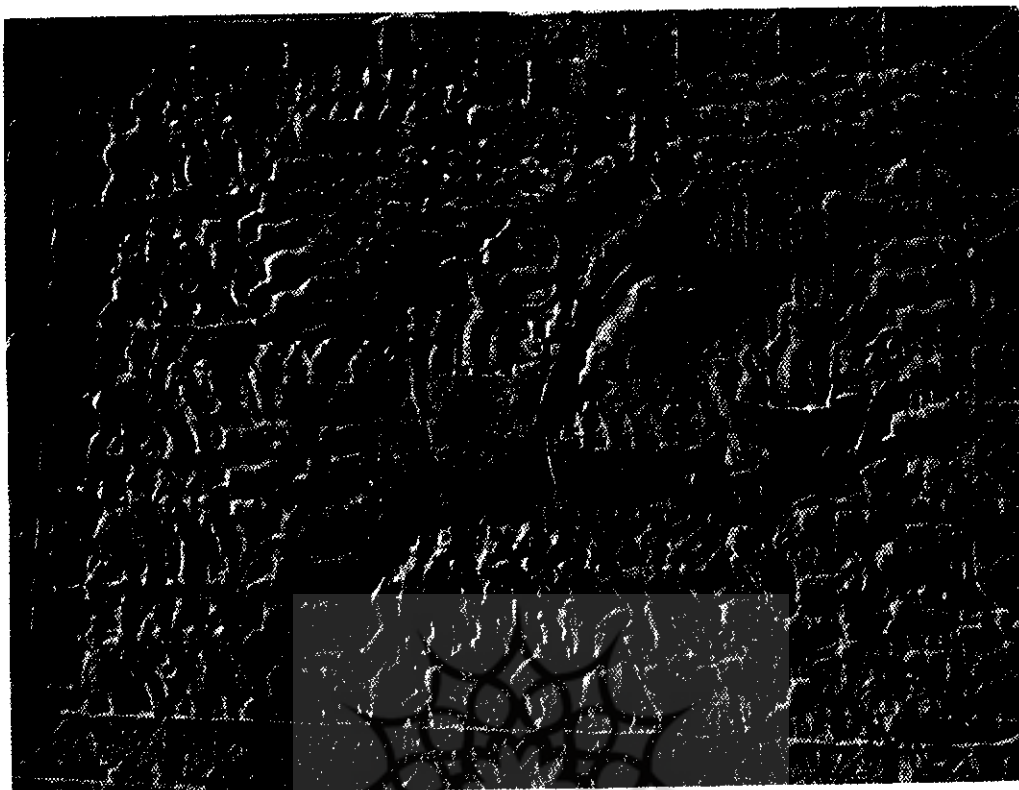
- تصویر شماره ۱۵: این اثر در طاقستان، خسرو دهم را سوار بر اسبی با تزیینات زین و بزرگ و همچنین در بالا طبع گیاهی برگ موران نشان می‌دهد.

تصویر شماره ۱۴: تفسیحی از نمای کاخ اشکانیان بنام هرا و مجسمه های گچی منصوب بر روی دیواره همراه تزیینات گچبری.

حیوانی، گذشته از آنکه عیناً در آثار معماری به وفور دیده میشود، بر روی سفالهای عهد اسلام نیز نقش بسته و انواع آنها را بصورت گراز، غزال و دیگر جانوران، زینت بخش ظروف خویش قرار داده اند.

در آثار گچبری دوران ساسانی، بندرت آثاری از گچبری نقش انسان دیده شده است و آنچه که وجود

دارای موتیف های انسانی بوده و چنین حکایت دارند که هنرمندان عهد ساسانی در ابداع صورت سازی کوتاهی نکرده و تا آنجا که توانسته اند با امکانات و وسایل محدود آن زمان، مجسمه و یا نقش برجسته های گچی را بوجود آورده اند. با بررسی سفال های منقوش از عهد ساسانی ببعده، در خواهیم یافت که طرحهای انسانی و



تصویر شماره ۱۶: صحنه شکار خسرو دوم که در دیوار ضلع شرقی طاق بستان قرار دارد و تلفیق نقوش گیاهی، انسانی و حیوانی را نشان می‌دهد.

جمله این آثار دو مجسمه از بهرام‌گور است که سوار بر اسبی در حال شکار در آثار گچبری چال‌ترخان و نیز در آثار گچبری طاق بستان نشان داده شده است (تصاویر ۱۵ و ۱۶). نظیر این اثر را در حفاریات قلعه یزدگرد^{۱۸} بدست آورده‌اند که در آن آثار، نقش انسان و حیوان و نقش اساطیری که اینگونه با کیفیت سمبلیک^{۱۹} در نظر گرفته می‌شده و گاهی درون قاب‌های گچی ظاهر می‌یافته‌اند و نیز موتیفی از یک درخت که نامش را در دوران اسطوره‌ای (اساطیری)، درخت زندگی دانسته‌اند، ملاحظه می‌گردد: نظیر این نقش‌ها در آثار موجود گچبری بسیار بچشم می‌خورد و تنوع کار در هارمونی و هماهنگی است که بین نقش‌های گیاهی از یکطرف، و نقش‌های انسانی و حیوانی از طرف دیگر وجود دارد. در موزه فیلا دلفیا نقش زنی را با کلاه نشان می‌دهد که

داشته، الهامی از حجاری و سنگتراشی بوده است؛ از جمله نیم‌تنه اردشیر دوم که در قصر ساسانی کیش می‌باشد.

در دوران اشکانیان، در تزئین معماری از هنر مجسمه‌سازی بهره‌گیری شده و بخصوص در قصرهای سنگی این عهد در هترا در محل طاقها، این نقش بکار برده شده است که بعدها در سبک معماری رومی و گوتیک فرانسه مورد تقلید قرار گرفت^{۱۷} (تصویر شماره ۱۴). در این نوع مجسمه‌ها که بیشتر بصورت مجسمه نیم‌تنه می‌باشند، جنبه‌های تمثیلی مطرح است و هر صورتی عنصری سمبلیک را القاء می‌نماید که شکل انسان یا فرشته در نهایت علاقه و اعتلا در اینگونه آثار بچشم می‌خورد و کم‌کم از حالت تمثیلی خارج گشته و به ابداع طرح مجسمه بصورت واقعی مبدل شده است. از



تصویر شماره ۱۷: دو نمونه از زینت‌های نقره‌ای عهد ساسانی که دارای طرح‌هایی شبیه و متأثر از نقوش گچبری می‌باشند.

بصورت تزئین البسه بکار برده شده است. بطور مثال در کیش نیم‌تنه‌ای از اردشیر دوم بدست آمده که اینک در موزه شهر شیکاگو می‌باشد. در این اثر، کلاهی مزین به نقش گیاه کنگر مشاهده میشود. بغیر از نقوش انسانی، نقش حیوان بصورت اسطوره‌ای نیز مشاهده میشود که عیناً از نقوش برجسته بر روی آثار حجاری و سنگی اقتباس گشته و سپس به همان صورت بر روی فرش و ظروف فلزی و هم‌چنین گچبری و بالاخره بر روی مهر و سیلندر و سکه‌ها ظاهر شده‌اند (تصاویر شماره ۱۷، ۱۸)

طرح‌های حیوانی روی آثار گچبری عمده شتر، گوزن، گراز، شیر، عقاب و پرندگان کوچکی هستند که بیشتر در تزئین فضاها یا خالی بکار گرفته میشده‌اند. معروفترین نقش حیوانی در گچبری، دو گوزن در حال

شاید نشانه‌ای از یک ملکه باشد، در حالیکه اطراف آنرا تزئینات گیاهی فرا گرفته‌اند.

در اینجا لازم است به این نکته اشاره شود که بطور کلی نقش زن در آثار گچبری عهد ساسانی بطور محدود و معدود بکار گرفته شده است و در همه جا جنبه‌های تقدس و سمبلیک در آنها ملحوظ بوده است و اغلب بر بالای سر آنها هلالی با تزئینات اضافی دیگری بر روی لباس‌هایشان که دارای نیم‌تنه می‌باشد، بکار برده شده است و معروفترین این نوع نقش برجسته، مربوط به آنایاست.^{۲۰}

مراسم تاجگذاری و آئین‌های مربوطه نیز در آثار گچبری نقش عمده‌ای را ایفاء کرده‌اند.

در بین موتیف‌های گیاهی و حیوانی، دائماً هارمونی وجود داشته است و گاهی نقش یک نوع گیاه

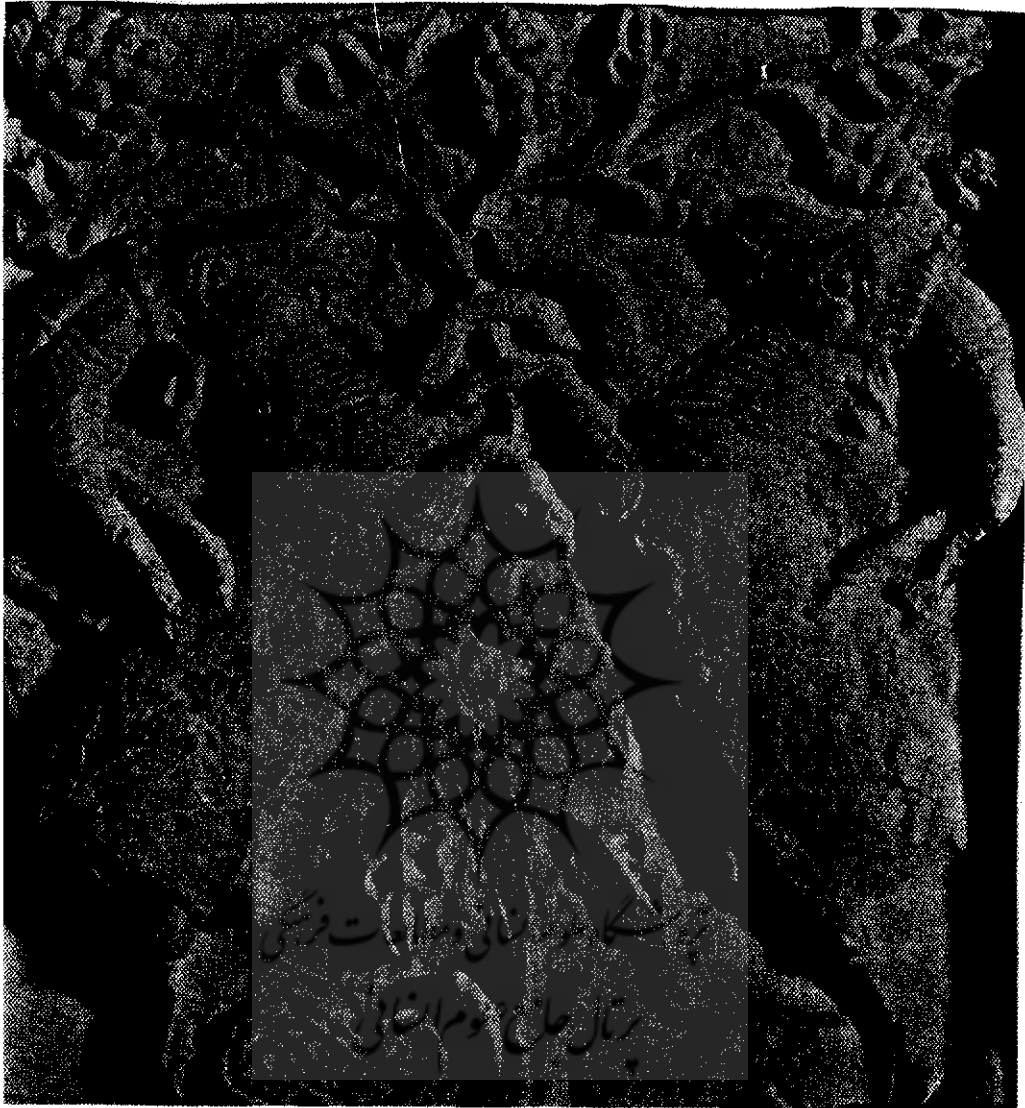
- تصویر شماره ۱۸: یکی از سکه‌های عهد ساسانی با نقش خسرو دوم که در بالا نقش ماه و ستاره و در زیر آن دو بیال و در سمت راست خط پهلوی ساسانی مشاهده می‌شود که شبیه تابلت مکشوفه‌ای است که آرم دانشگاه را از روی آن ساخته‌اند.



اطرافش را با برگهای پالمست استیلیزه شده تزئین نموده‌اند و معمولاً در اینگونه قاب‌ها، گراز طوری قرار دارد که مرکز قاب واقع شده و دندان پیشین او بطرز زیبایی از دهان خارج شده است و موهایش نیز بخوبی آرایش و نشان داده شده است. نظیر این اثر را به وفور در سراسری موزه ایران باستان ملاحظه می‌نمائیم (تصویر شماره ۲۰).

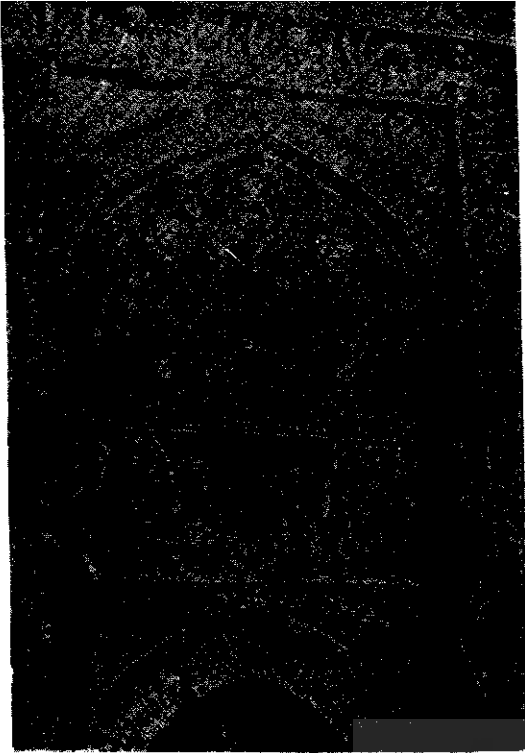
شکار شدن‌اند که یکی بدون شاخ و دیگری گونی با شاخهای بلند است (تصویر شماره ۱۹) و دیگر نقش گراز در حالت‌های مختلف مشاهده شده است. معمولاً نقش اخیر در داخل یک قاب چهارگوش که دورش را با موزائیک تزئین کرده‌اند، نشان داده شده است و در جای دیگری در قاب دایره‌ای قرار داده شده، در حالیکه

- تصویر شماره ۱۹: یک قطعه استوک گچبری که دوبز کوهی را در کنار درخت موشان می‌دهد. در این تصویر نقش حلزونی و برگ تاک و خوشه انگور نیز به چشم می‌خورد که درون کادر مربع قرار دارند.



است؛ بطور مثال در روی یک قطعه گچبری، عقابی دیده میشود که پنجه‌هایش بر روی شاخه‌های انگور قرار دارد و در گچبری دیگری با استفاده از دایره و چهارگوش‌های منظم، در داخل دایره‌هایی، میوه انگور و برگ آن نمایش داده شده است، و نیز در دیگر نقش‌های گچبری از مرغ خیالی یا سیمرغ و نیز طاووس یا کرکس و کبک

حیوانات دیگری نظیر اسب، شتر و شیر نیز در آثار گچبری برای خود جایی دارند؛ مثلاً در یکی از آثار گچبری، شیری را در قابی مستطیل شکل و بصورت عضبانی مشاهده می‌کنیم که اینک در موزه برلین موجود و مربوط به کاخ تیسفون است. در آثار گچبری، نقش پرندگان نیز رعایت شده



۲۳



۲۴

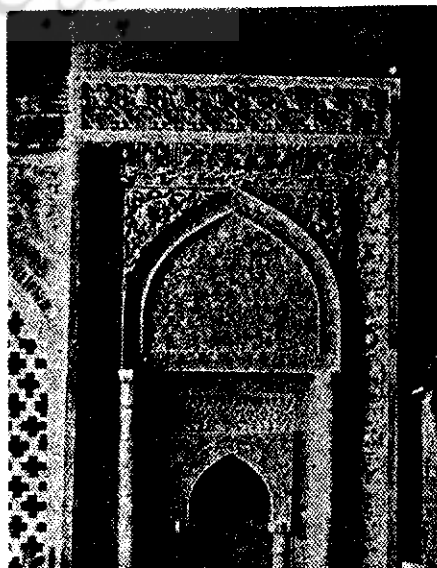


۲۵



۲۶

۲۷



- تصویر شماره ۲۰: یک قطعه گچبری مکشوفه از کاخ دامغان که دارای نقش گراز در درون قالب دایره‌ای شکل می‌باشد و در موزه دانشگاه قیلاذلیا است.

- تصویر شماره ۲۱: طراحی از استوک ساسانی که در کاخ تیسفون بدست آمده است و در آن خط پهلوی در بالای دو بال دیده می‌شود که آرم سابق دانشگاه تهران از روی آن ساخته شده است و اینک در موزه متروپولیتن موجود است.

- تصویر شماره ۲۲: محراب ارزنمند مسجد جامع اصفهان که نمونه کاملی از شیوه‌های مختلف معماری و هنرهای تزئینی و نمونه مکتب خاص معماری ایران در عصر سلجوقی است.

- تصویر شماره ۲۳: محراب مسجد هفشویه مربوط به دوران سلجوقی در اصفهان که بطرز زیبایی گچبری شده است گچبریهی این محراب شباهت زیادی به آثار تزئینی عهد ساسانی دارد و شامل گل و بوته و ریزکارهای ظریف و کتیبه‌هایی بخط کوفی می‌باشد.

- تصویر شماره ۲۴: محراب مسجد جامع سلجوقی در بسطام که دارای تزئینات گچبری در پیشانی محراب است.

می‌توان نشانی یافت.

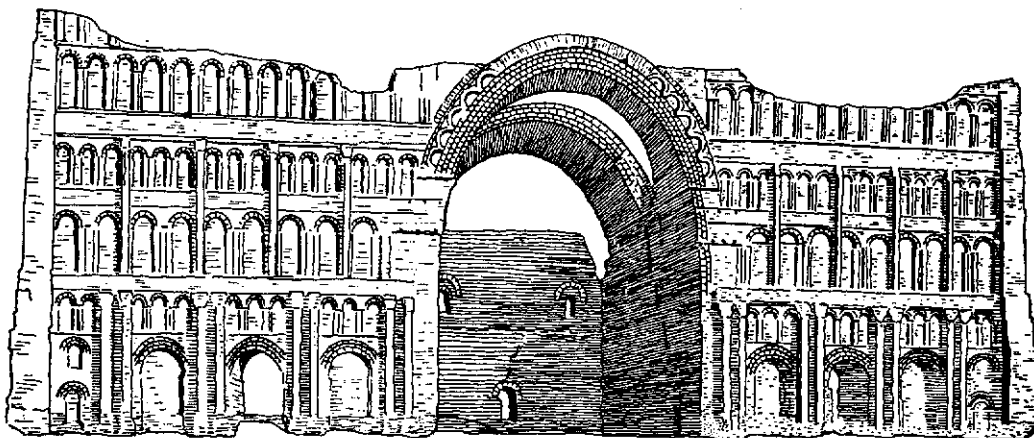
بنابراین در یافتیم که آثار گچبری، زینت بخش دیوار کاخها و طاق و طاقچه و سردرها بوده، لیکن با نظری کوتاه به آنچه که از آثار مکتوب گچی در حفاریات بدست آمده، چنین بنظر میرسد که بر روی کتیبه‌های مکشوفه، آثار طرح‌های گچبری نیز مد نظر بوده است. یک نمونه از این آثار، تابلوی^{۲۱} (کتیبه‌ای) است به زبان پهلوی که در موزه برلین موجود است و در آن آرم دو بال دیده میشود (آرم دانشگاه تهران) که دارای فرم زیبایی است و نمونه‌ای از این طرح در موزه ایران باستان قرار دارد که حالت تزئینی داشته و یک قاب چهارگوش اطراف آنرا فرا گرفته است (تصویر شماره ۲۱). از آثار موجود چنین برمیآید که شیوه بکارگیری خط بر روی گچ از عهد اشکانیان شایع شده باشد، اما چون در این زمینه اثری در دست نیست، تصور میشود که ساسانیان رواج خط را با طرح اندازی بر روی گچ متداول ساختند که همراه با موتیف‌های اولیه بکار برده میشده است و این روش در دوران اسلامی نیز تداوم یافت و به تکامل رسید و باعث شد تا طرح‌های اسلیمی و خطایی روی کار آید و زینت بخش آثار اسلامی گردد؛ چه، هنرمندان این عصر

با خط‌های دکوراتیو^{۲۲} و بازی با آنها، نقش‌های زیبایی از خطوط کوفی را که بعدها بنام کوفی گذار و ساده و غیره معروف گشت، بوجود آوردند و ما امروز اغلب کتیبه‌های قدیمی اسلامی را که کتیبه‌های گچی هستند، مشاهده می‌نمائیم.

نکته مهم اینست که پیش از رواج کاشیکاری، گچ، بمعنای واقعی و در زیبایی و در تکمیل بناها بکار میرفت و با انتشار هنر کاشیکاری، رفته رفته جای خود را به کاشی‌های الوان و زیبا داد؛ کما اینکه در اواخر دوران اولیه اسلامی می‌بینیم که مجسمه‌سازی نیز همچون هنر گچبری بکلی از میان میرود و هنرمندان این فن به عوامل طبیعی روی آور میشوند و بدرون مساجد قدم می‌گذارند و فن گچبری را مذهبی می‌نمایند و محراب و طاق و طاقچه و گنبد و رواق‌های مسجد و حتی برخی از مناره‌ها و ستونها را به کاردک‌های گچبری میسپارند و طرح‌های اسلیمی را همراه با خطوط کوفی و گل و بوته و نیز سوره‌ها و آیه‌های قرآن کریم بر رویشان طراحی میکنند که نمونه ارزنده این رویداد هنری مسجد جامع اصفهان و بخصوص محراب با عظمت آن است. و دیگر آثار تیموریان در مجموعه‌ای تاریخی در بسطام شاهرود است که نشانگر تداوم گچبری بعنوان طرح‌های تزئینی مذهبی در دوره اسلامی است و نیز محراب مسجد هفشویه در اصفهان که از آثار دوران سلجوقی می‌باشد (تصاویر شماره ۲۲، ۲۳ و ۲۴).

۳- چند نمونه از آثار گچبری این دوران

از دوران حکومت ساسانی، آثار فراوانی در دست است که بی‌تردید نشانگر روحیات هنری و خلاقیت‌های ذهنی هنرمندان در آن عصر می‌باشد؛ چه، در لابلای سطوح مختلف هنری و انواع گونه‌گون هنر این دوران این خصوصیت‌ها را میتوان یافت. اما صرف نظر از آثار باشکوه معماری، نقوش برجسته، قالی یا ظروف نقره‌ای و غیره می‌توان کارهای گچبری و تزئینی را که



تصویر شماره ۲۵: نمای عمومی کاخ سیفون یا طاق کسری که ایوان مداین هم خوانده می‌شود و تا حدودی تزئینات گچبری را نشان می‌دهد.



تصویر شماره ۲۶: یک قطعه گچبری شکل دایره با گل گچبری شده مکشوفه از کاخ سیفون که شباهت فوق‌العاده به گل‌های تزئینی کاخ الخاقانی در سامره دارد.

فوق‌العاده زیبایی هستند که در این مقاله ضمن شرح قسمتی از آنها، به تشریح عوامل و موتیف‌های تزئینی شان خواهیم پرداخت.

برخی از تزئینات گچی بصورت الخاقی هستند. یعنی بدون اینکه در بنا و یا ساختمانی بکار رفته باشند، با

الگوی جهت خلق آثار دیگر گچی در دورانهای بعد از آن و حتی در خارج از مرزهای ایران اسلامی شد، یاد کرد.

تعدادی از آثار و بناهای با ارزشی که در عهد ساسانیان بر پا داشته شده‌اند، دارای تزئینات گچبری

الحاق و اتصال و یا نصب، جنبه تزئینی به آن اثر داده اند نظیر مجسمه های گچی و یا لوحه و قطعات بکار گرفته شده، و یا آنکه بطور جداگانه متضمن وجود قطعه ای مستقل می باشند، نظیر طاقچه هایی که در چال ترخان ری بدست آمده است که جملگی نموداری از خاصیت شکل گیری گچ هستند که بعدها با رنگ ایرانی بروی آنها زینت بخش تالارها و کاخها و بالاخره در دوران اسلامی، عامل تزئین مساجد و مدارس در ایران و خارج از ایران اسلامی گشته اند.

۱- کاخ فیروزآباد

بنای این کاخ منسوب به اردشیر ساسانی است و این مطلب از سوی مورخین اسلامی نظیر ابن فقیه و مقدسی و اصطخری تایید شده است. این بنا از معدود بناهای با شکوهی است که در دوره ساسانی با استفاده از سنگواره های عظیمی بر پا داشته شده است.

طرح این کاخ ترکیبی است از اطاقهای پذیرایی و ساختمانهای اختصاصی که اینک ویرانه ای از مجموعه کاخ فیروزآباد باقی مانده است. از آثار و بقایای کاخ مزبور چنین بر می آید که در زمان آبادی، بخصوص چهار طاقی آن وسیع و زیبا بوده است. کاخ فیروزآباد اولین بنای طاق دار ساسانی است که گذشته از طاق بلند و ایوان زیر آن، از نظر هلال و نحوه گنبدزنی، قابل مقایسه با طاق کسری می باشد.

طرز معماری آن سنگی است و از بکارگیری سنگهای پرحجم و اتصال دادن آنها بیکدیگر ایجاد شده است. دیوار قصر دارای تزئیناتی از مرمر حجاری شده و منقوش بوده و در بعضی قسمتها از تزئینات گچی استفاده شده است.

۲- طاق کسری یا کاخ تیسفون

عظیم ترین قصر شاهان ساسانی، قصر تیسفون بوده است؛ در زمینی بمساحت ۱۲ هکتار و شامل بنای عظیمی است با نام ایوان مدائن که از این مجموعه عظیم تنها طاق کسری و برخی از اجزای آن باقی مانده است.

بنای اصلی بر روی صقه ای قرار داشته و در مرکز، طاق بزرگ آنست و در طرفین، دیوارهای مزین به طاق نماهاست که درشش طبقه قرار داشته است (تصویر شماره ۲۵). این کاخ از آجر بنا گردیده و در نما از روکش مس استفاده شده، که با برگهای نازک زر و سیم (طلا و نقره) تزئین یافته است و گنبد، برفراز تالار اصلی قرار داشته است. تزئینات کاخ غیر از ورقه های مسی و طلایی و نقره ای، سنگهای مرمر رنگین و موزائیک شیشه ای نیز بوده است. در سالهای اخیر ضمن کاوشهای علمی، به آثاری چند از گچبریهای با طرحهای متنوع برخورد کرده اند؛ از جمله یک عدد مجسمه نیم تنه برجسته، یک قطعه گچبری که دارای نقوش گیاهی با برگ مو (تصویر شماره ۲۶)، یک قطعه گچبری با نقوش حیوانی که بشکل مرغ خنیالی شبیه طاووس و یا سیمرغ است و یک قطعه گچی بشکل صلیب شکسته که آثار فوق در حال حاضر در موزه های برلین^{۲۳} و متروپولیتن^{۲۴} نیویورک موجود است. گذشته از چند اثر فوق، می توانیم از آثار تزئینات نقاشی روی گچ یاد نمائیم که در این نقاشی، تسخیر انطاکیه را نشان داده است که تصویر اخیر با اندکی گسترده گی و بصورت موزائیک، در کاخ بیشاپور نمایان شده است.

۳- آثار گچبری در کاخ چال ترخان (ری)

از آثار گچبری، آنچه که بیش از همه بر چشم می نشیند، آثاری است مربوط به کاخ چال ترخان که بی شک اگر این کاخ سالم برجای می بود، می توانست یک موزه عظیمی از کارهای گچی و گچبری باشد. بموجب آثار برجای مانده، این کاخ مربوط به بهرام گور بوده و چون در منطقه ای از دشت نزدیک به شهری قرار داشته است، لذا در گذشته بصورت محل شکار و

استراحتگاه بهرام محسوب میشده است

حفریهایی که در این منطقه توسط دموگان^{۲۵} و پرفسور اشمیت بعمل آمد، باعث گردید که منطقه ورامین نیز در سال ۱۹۰۹ مورد توجه قرار گیرد و در نتیجه چند

بنای دیگر عهد ساسانی از جمله تپه میل ورامین و قطعات زیادی از گچبری کشف گردید.

بقایای آثار گچبری چال ترخان که اینک زینت بخش گالریهای موزه ایران باستان می باشد، غنی ترین گنجینه از این آثار را بما عرضه میدارد. در این آثار، نقش های متنوع و گونه گونی بصورت خشت های مربع، نقوش سه گانه هندسی، گیاهی، حیوانی، نقش شکارگاه، و صحنه های مختلف شکار - که بعدها این شیوه در هنر اسلامی نیز رواج یافته - نقش برجسته های گچی از حیوان و انسان، نقش بهرام در حال شکار و یکی دیگر از پادشاهان ساسانی را که سوار بر اسبی نشان میدهد، و هم چنین نقش آناهیتا و نقش زن بر روی

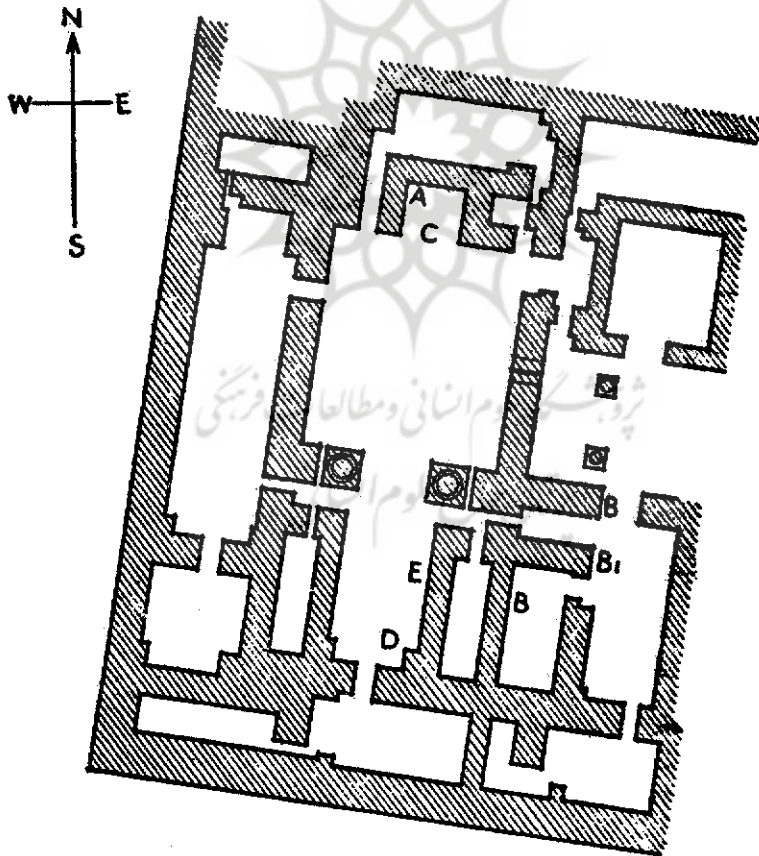
چند خشت مربع، آرایش مختلف موو گردن بندی بر گردن با آرایش گل لوتوس را شاهد می باشیم.

از مجموع این آثار چنین برمی آید که هنرمندان بر روی کلیه قسمت های دیوار و سقف و ورودیها و هم چنین ستونها از تزئینات گچی استفاده کرده و بمنظور ایجاد تنوع، ستونها را بفرم های مختلف گچ اندود کرده اند و این به سبب قطر زیاد ستونها بوده است و خالی از ظرافت نیست، که بمدد نقش های هنرمندانه این ضخامت را به ظرافت تبدیل نموده اند که بعدها این سبک در مساجد اسلامی رونق بسیار یافت.

۴- آثار گچبری در کاخ کیش

در مورد آثار برجای مانده گچبری در کیش، جز

- تصویر شماره ۲۷: پلان کاخ شماره ۱ کیش

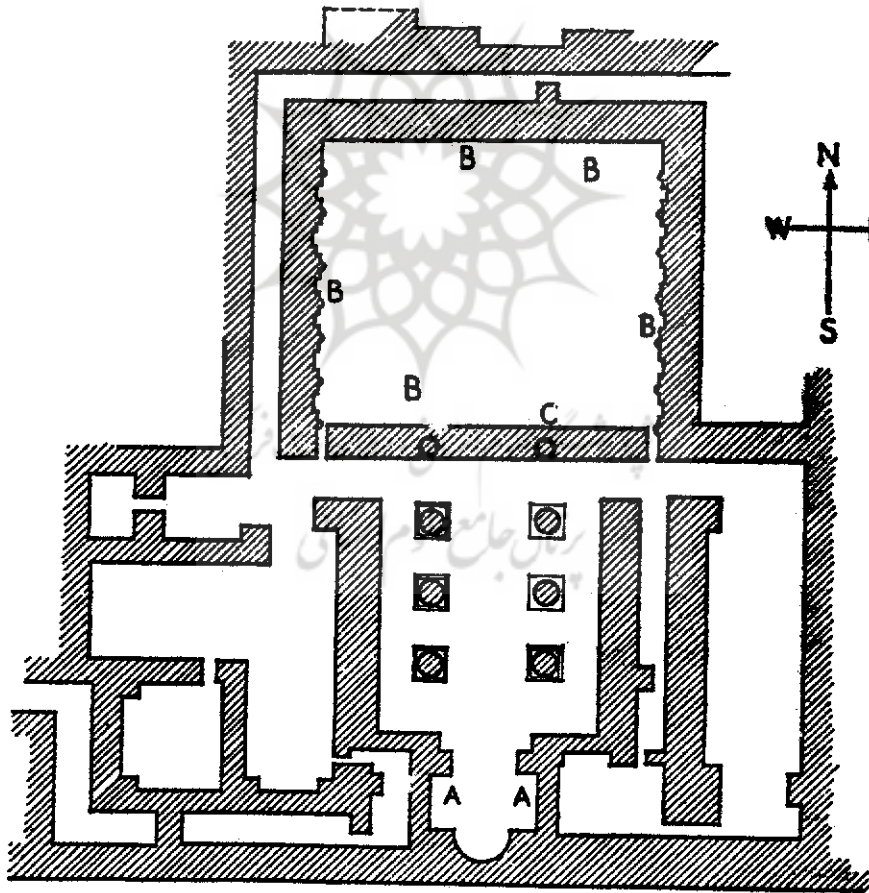


مقالات و کتابهای پرفسور پوپ^{۲۶} و نیز مقاله یورگیس مالتروسای^{۲۷} آنچه که بتوان بر اساسش به کیفیت و خصوصیات این آثاری برد، در دست نیست و هر چند که احمد اقتداری در کتاب «شهرهای باستانی سواحل و خلیج فارس و دریای عمان»^{۲۸} درباره موقعیت جغرافیایی و تاریخی شهر کیش مطالبی را عنوان کرده است، با این حال نسبت به آثاری که در دهه اخیر بر اثر بررسی و اکتشافات تازه، اعم از معماری و تزئینات گچبری بدست آمده، اشاره ای ننموده است و تنها از بازار کیش نام برده و نیز درباره مسجد جامع قدیمی آن اشاراتی نموده است و جا داشت که نسبت به این آثار توضیحات بیشتری همراه با عکس ارائه میداشت. برای

اطلاعات و آگاهی بیشتر در مورد جنبه های تاریخی و جغرافیایی سرزمین کیش در آبهای نیلگون خلیج فارس، می توان به کتاب یاد شده مراجعه نمود.

از مطالعه کتابها و مقالاتی که درباره جزیره کیش نگاشته شده و در این گفتار برخی از آنها را نیز ذکر کرده ایم، چنین بر می آید که جزیره کیش یک جزیره مسکونی باستانی در جنوب ایران بوده که از دوران هخامنشی و پس از آن بصورت شهری آباد وجود داشته و حتی در دوران قاجاریه نیز محل داد و ستد و بستن پیمان نامه ها و قراردادهای تجارستی و بازرگانی بوده است و به همین سبب بناچار در آن عهد مورد توجه حکام ساسانی و دیگر حکومت های منطقه قرار گرفته و بنای کاخی در

تصویر شماره ۲۸: پلان کاخ شماره ۲ کیش که در حقیقت کاخ اصلی و بزرگ کیش است.



کیش نیز با توجه به هدفهای فوق انجام گرفته است (تصویر شماره ۲۷ و ۲۸ پلان کاخهای کیش). یورگیس مالتروسیایی، در مقاله خود راجع به آثار گچبری در معماری کاخ کیش که در کتاب «هنر ایران ۲۹» بچاپ رسیده است، به قطعاتی از آثار گچبری که منحصرأ در قسمت طاق‌های گهواره‌ای و نیز فریزهایی که بر روی دیوار نصب شده است، یاد میکند که نقوش آنها شامل طرحهای گیاهی و هندسی می‌باشد (تصویر شماره ۲۹ و ۳۰). از مجموع طرحهای ارائه شده در مقاله مذکور، حدوداً چهل نوع موتیف شناخته شده است که ضمن اشاره به این آثار نمونه‌هایی از این نقوش را هم معرفی می‌نماید.

نقوش هندسی شامل طرح دایره‌ای شکل است که گل‌های چهار پر را ارائه میدهند و سپس با رنگهای طلایی و نقره‌ای رنگ آمیزی شده‌اند و برخی دارای رنگ لاجوردی می‌باشند که در کادرهای مربع یا مستطیل جای گرفته‌اند. مورد استعمال این نوع کادرها در حاشیه نقوش گچبری اصلی بوده است و در این کاخ بر روی ستونهای طرفین ورودی و یا در فاصله طاقچه‌ها بکار میرفته‌اند (تصویر شماره ۳۱). نظیر این کادرها در آثار مدائن (طاق کسری) و چال‌ترخان و کاخ دامغان نیز وجود دارد، با این تفاوت که در این محل‌ها نقوش حیوانی و انسانی و گیاهی در یک کادر بچشم میخورد و یا بصورت منفرد در کادرهای مربع یا مستطیل شایع بوده‌اند؛ از جمله نقش زنی در کادر مربع و یا گراز و آهو و نقوش شکارگاه در چال‌ترخان، که سه نوع موتیف را قبلاً یاد کرده‌ایم که این شیوه بعدها در دوران اسلام بصورت کادرهای کثیرالاضلاع مورد استفاده قرار گرفته است و در عصر سلجوقی به نظایر آن برمیخوریم از معروفترین طرحهای گیاهی در آثار گچبری کیش طرح برگ پالمست است که با الهام از نقوش برجسته هخامنشی، در این عهد راه یافته و در صورت‌های گونه‌گون متجلی شده است. در قطعه‌ای از گچبریهای کاخ کیش، در میان چهار برگ پالمست، نقش گل لوتوس

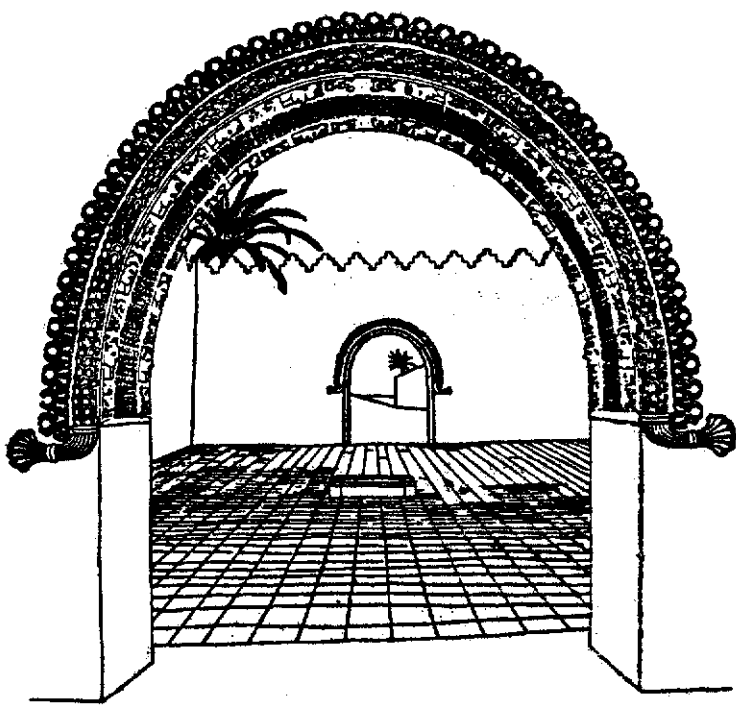
را در میان یک دایره مشاهده می‌نمائیم و در طرحهای بعدی کادرهایی را می‌بینیم که خطوطی عمودی و افقی، فواصل بین آنها را پر کرده است. از دیگر نقوش گیاهی در آثار کیش نقش درخت و میوه انگور و برگ آن است و حرکات منظم پیچک و انحناء آنها و در ترکیب با برگهای انار و میوه انار بصورت‌های مختلف بدست آمده است.

نقش حیوان و انسان در آثار گچبری کیش کمتر دیده شده است و تنها نمونه این طرح نیم تنه انسانی است با تاجی بر سر که بنظر میرسد یکی از مقامات حکومتی باشد. (تصاویر شماره ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ نشانگر موتیف‌های حیوانی و انسانی است). آخرین اثری که در کیش بدست آمده، کتیبه‌ایست با نقش قلب‌های معکوس و بصورت یک در میان و یک برگ منفرد خنجری شکل که فضای بین آنها را پر می‌سازد و به نقش مزبور پیوستگی و دوام بخشیده است. برخی از طرحهای مربوط به نمونه‌های این نقش‌ها را در ادامه مطالب ارائه خواهیم داد.

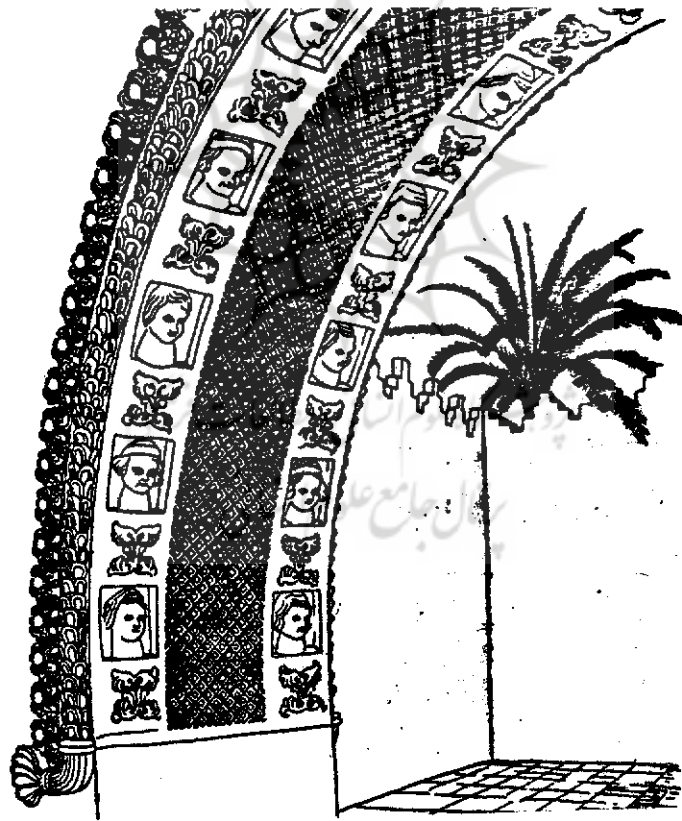
۵- آثار گچبری در کاخ ساسانی دامغان

از آثار با ارزش دوره ساسانی می‌توان کاخ ساسانی دامغان را ذکر کرد. بطور کلی دامغان یکی از شهرهای پیش از تاریخی و معتبر ایران بشمار میرود که دارای گذشته‌ای تابناک از نقطه نظر هنر و تمدن بوده است. در کنار شهر دامغان، آثار تپه‌های باستانی بچشم میخورد که به آنها تام تپه حصار را داده‌اند، که ابتدا توسط پرفسور هرتسفلد و سپس در سالهای ۱۹۳۲-۱۹۲۱ توسط اریک اشمیت حفاری گردید و سه طبقه متمایز در آن تشخیص داده شد که هر سه طبقه مربوط بدوران پیش از تاریخ می‌باشند.

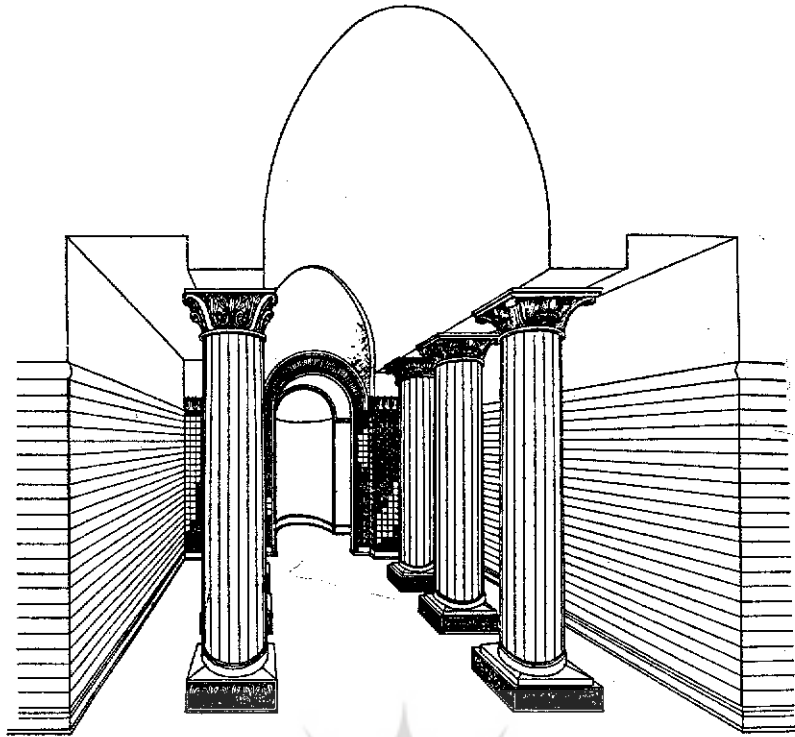
از نظر طرح و فرمهایی که از ساختمان سفالها بر می‌آید، می‌توان کاربرد چرخ کوزه‌گری را حس نمود و هم چنین آثار معماری پیش از تاریخ نیز در این مجموعه تپه‌ها، را با نام «شهر صد دروازه و داردانل» آشنا



- تصویر شماره ۲۹: طرحی از نمای سردر کاخ کیش (۱) با آرك و تزئینات گچبری.

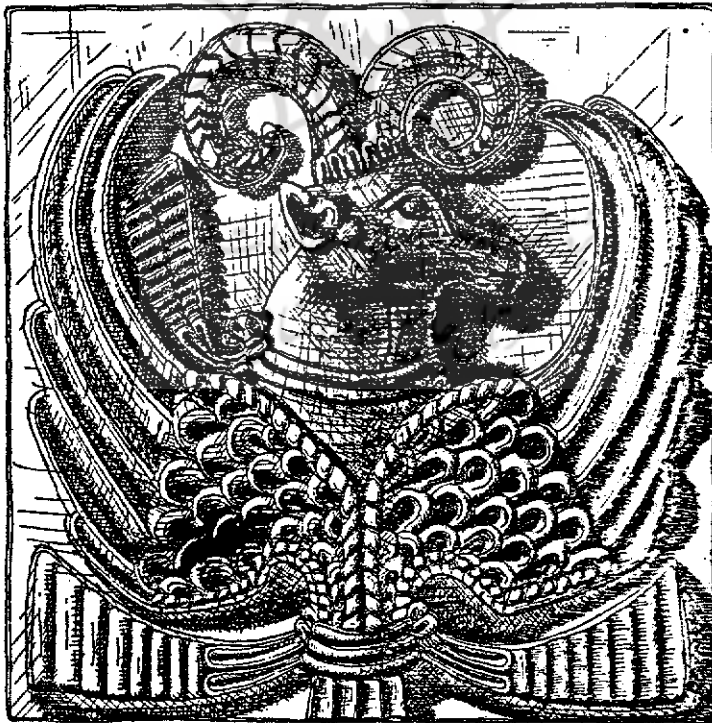


تصویر شماره ۳۰: جزئیات گچبری زیر آرك سردر ورودی کاخ کیش در مقاله واسکین در کتاب معماری ایرانی اثر پروپ.



تصویر شماره ۳۱: طرحی از نمای کاخ اصلی کیش که نمودار فرم ستونها و تزئینات گچبری در روی سرستون و ته ستونهاست. از مقاله «گچبریهای ایرانی» در کتاب «هنر ایرانی تألیف پوپ».

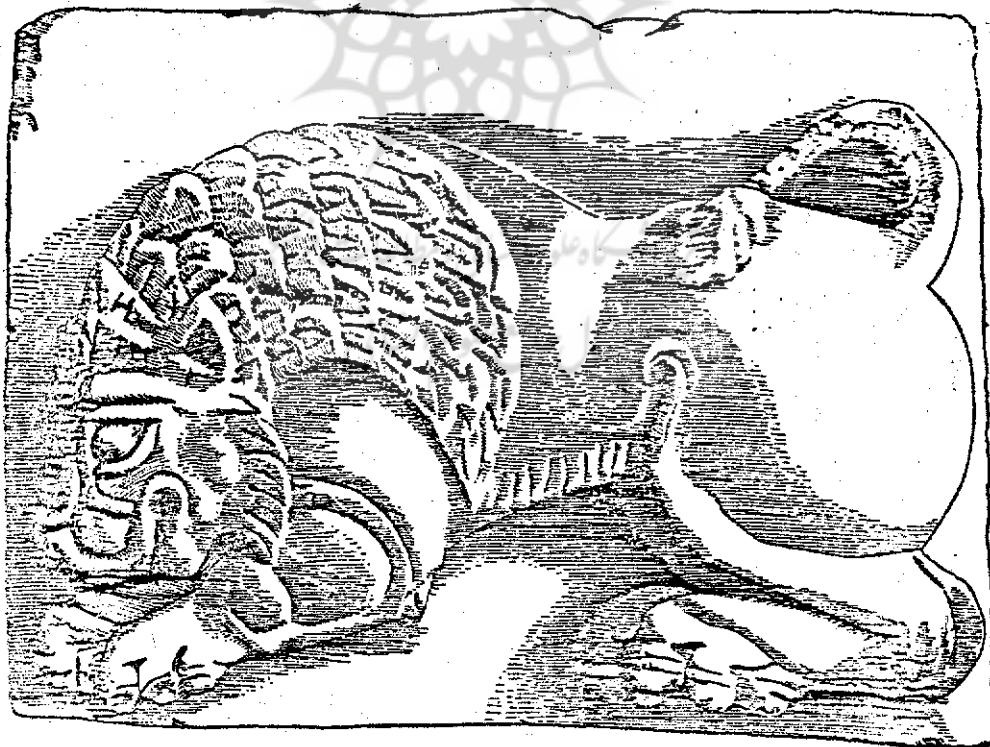
تصویر شماره ۳۲: یک قطعه گچبری با تصویر گوزن با دو شاخ بلند مارپیچ درون کادر مربع و دیگر تزئینات گچبری که در کاخ کیش بدست آمده است.

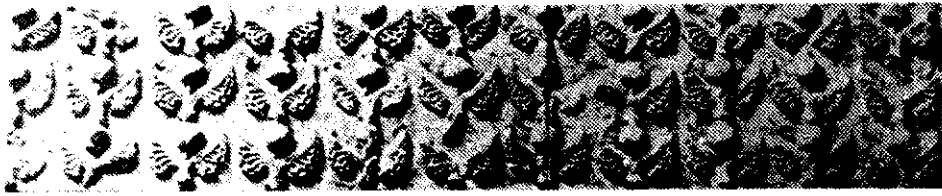




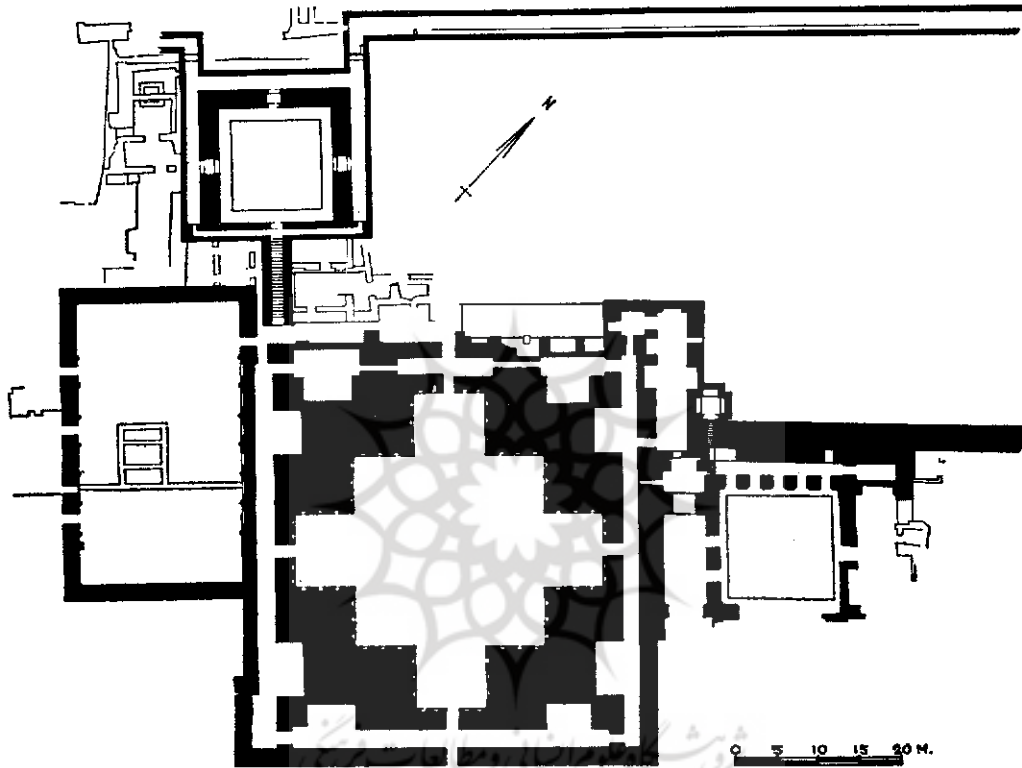
تصویر شماره ۳۳: نقش انسانی در گچبرها که چهرهٔ یک نوجوان را نشان می‌دهد؛ از آثار کاخ کیش.

تصویر شماره ۳۴: نقش حیوانی در گچبرها که چهرهٔ یک شیر را نشان می‌دهد؛ از آثار کاخ کیش.





تصویر شماره ۳۵: یک نمونه از استوک گچبری ساسانی مکتوبه از کاخ دامغان که نشان دهنده طرح زیبایی از ترکیب گل پالمت و ریزماهی می باشد.



تصویر شماره ۳۶: پلان کاخ بیشاپور ساسانی در فارس.

دیگری را که بسبک و سیاق گچبری های ساسانی تزئین شده اند، در این شهر می توانیم مشاهده نماییم. آثار برجای مانده از این کاخ نشان دهنده ارزشی است که در آن عهد برای هنر قایل میشده اند و در یک ترکیب جامع و بدیع از معماری و تزئینات گچبری، توانسته اند کاخی چنین زیبا بر پا دارند. فرم طاقها و گنبدی که بر روی چهارطاقی زده شده، تا حدودی شباهت به چهارطاقی های آتشکده دارد. یک تالار

می سازد که نشان دهنده یک شهر با عظمت در دوران تاریخی گذشته می باشد. با این حال، از تمامی این شهر و آثار معماری، که مهم ترین آن مربوط به کاخ اصلی میباشد، قطعاتی چند از نقوش تزئینی گچبری برجای مانده است. از آنجا که شهر دامغان (صد دروازه قدیم) پس از ظهور دین مبین اسلام و آغاز دوران هنر اسلامی و بخصوص در دوران مغول و تیموریان مورد توجه بیشتری قرار گرفته است، لذا بهمین سبب آثار معماری اسلامی

مستطیل شکل در مغرب، و دودرگاه عمیق در شمال و جنوب، و ایوان ستوندار در ضلع شرقی که تعدادش ستون در داخل آن می باشد، بایک ورودی بزرگ که گنبد نیز بر فراز چهارطاقی همین ورودی کاربندی شده است، مجموعه کاخ را بهمراه حیاط وسیع آن تشکیل میدهند.

آثاری که توسط اشیمیت بدست آمده، شامل تعدادی قطعات گچبری تزئینی است که معمولاً بر روی طاقچه ها و یا سردر ورودی و بر روی ستونهای داخل ایوان نصب بوده است که اینک در موزه ایران باستان قرار دارند. در آثار گچبری این کاخ، موتیف های گیاهی، حیوانی و انسانی بیشتر بچشم میخورد.

مهمترین نقش گیاهی در آثار گچبری این کاخ، نقش پالم است که در بیشتر آثار معماری این عهد بدان برخورد کرده ایم؛ نظیر چال ترخان، کیش، طاق کسری، ... و در آثار دوران اسلامی نیز بنحوی ما با نقش پالم آشنایی خواهیم یافت و می بینیم که چگونه به تکامل رسیده و بصورت نقش درخت خرماتظاهر می یابد. عمده ترین طرح های پالم در این کاخ عبارتند از: پالمت سه برگی در داخل یک قلب معکوس، پالمت چند برگی در داخل مربع و دایره که در کنارش نقش پالمت سه برگی را بر نمای دیوار جای داده اند (تصویر شماره ۳۵). پس از پالم، طرح و موتیف های هندسی نیز بر روی آثار قرار داده شده اند که شبیه دایره های درهم و نیز نقش ستاره ای و لوزی شکل است که بر روی دو ستون ایوان دیده شده است و نیز نقوش زیگزاگ و خطوط درهم عمودی و افقی را می توانیم بر روی سرتاقی ها ملاحظه نمائیم.

ترکیبی از نقوش گیاهی و حیوانی و انسانی و نیز نقوش انسانی و حیوانی را بطور انفرادی و یا نقوش حیوانی و گیاهی را با هم در کارهای گچبری این کاخ مشاهده میکنیم. معروفترین قطعه گچبری بنام زنی در پشت پنجره خوانده میشود که شامل یک قاب مربع شکل

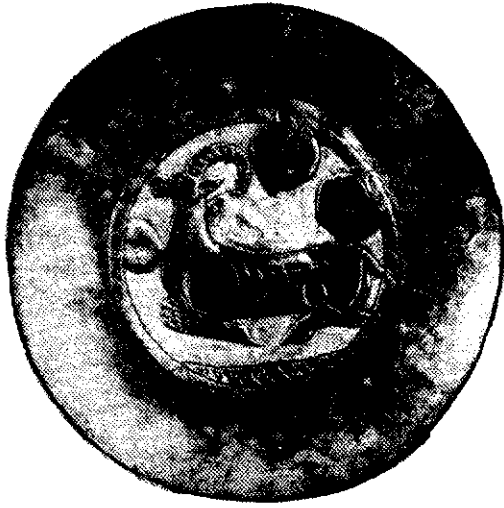
و در داخل آن، قاب مربع شکل کوچکی است و صورت زنی بر آن نقش بسته است و در فاصله ایندو مربع کوچک و بزرگ، برگهای سالمست فضای خالی را پر کرده اند. این قطعه در حال حاضر در موزه ایران باستان قرار دارد که بعدها در عصر اسلام، در نقوش قالی از آن اقتباس شده است. از نقطه نظر موتیف، شاید نشانه ای از آناهیتا یا میترا باشد و نمونه دیگر آن در موزه فیلا دلفیا در آمریکا می باشد، با این تفاوت که اطراف سرزن هاله است و بر سرش پیشانی بند، و دو قاب از برگهای زینتی پالمت دورش را گرفته است.

از طرحهای حیوانی می توان از نقش گوزن، بزکوهی، گراز و حتی شیر یاد کرد که هر کدام از آنها درون دایره ای قرار گرفته اند و اطرافشان با تزئینات گیاهی آرایش داده شده است.

۶- آثار گچبری در کاخ بیشاپور

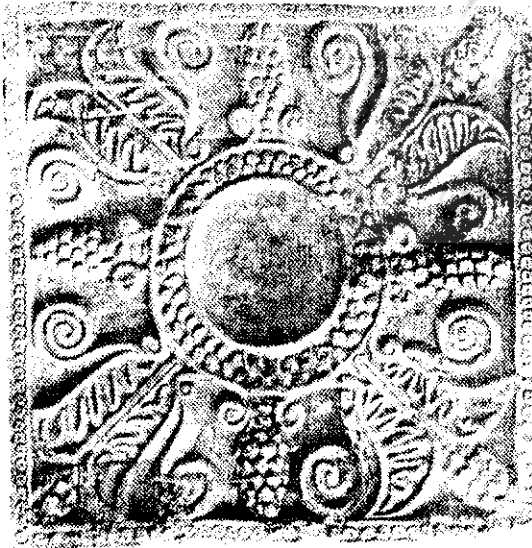
کاخ شاپور و معبد مجاور آن، بوسیله هیأت باستانشناسی مشترک ایران و فرانسه حفاری و قسمت عمده تالار عظیم آن از زیر خاک خارج گردیده است. جزئیات ساختمانی این کاخ عبارتست از: تالار عظیم هشت گوشه، که سطح آن یک متر از سطح معبد بلندتر است. این نوع طرح، بعدها در بیشتر بناهای اسلامی منطقه فارس بکار گرفته شد و نمونه جالبی جهت ادامه ساختمان های تالار و شاه نشین اماکن متبرکه بشمار میرود و مخصوصاً در اغلب بناهای عهد صفوی و زندیه بنام کلاه فرنگی اقتباس شده است. مصالح بکار رفته در این کاخ، عمده سنگ و گچ می باشد. در اطراف چهار شاه نشین کاخ، طاق نماهایی تعبیه شده است. تالار عظیم مرکزی ۲۲×۲۲ متر وسعت دارد و طاق نماها نیز دارای قوس بیضی شکل می باشند (تصویر شماره ۳۶). دیوار تالار دارای تزئینات گچبری بسیار زیبایی بوده است. سطح کف با گچهای رنگین، تزئین و روی آن اندود گچ بوده است. درازاره ایوان های مجاور تالار، تزئینات موزائیک رنگین با زیبایی خاصی بکار رفته است و از

جمله نقوش روی موزائیک‌ها نقش یک زن رامشگر است که در حال نواختن چنگ می‌باشد. این قطعه موزائیک در موزه ایران باستان قرار دارد.



- تصویر شماره ۳۷: نقش بزکوهی درون یک طرف متأثر از طرح‌های گچبری ساسانی.

- تصویر شماره ۳۸: قطعه‌ای از گچبری مربوط به کاخ بیشاپور، با طرح‌های گیاهی شبیه به برگ مو و خوشه‌های انگور و نقوش هندی مارپیچ و دایره در کادر مربع شکل (عکس از کتاب پوپ).



کاخ بیشاپور از جمله آثار با ارزش ساسانی است که بی‌شبهه، از نقطه نظر کاربرد معماری و تزئینات داخلی، از معدود آثار جالب این عهد بشمار می‌آید. در دهه اخیر هیأتی از باستانشناسان ایرانی به سرپرستی دکتر علی اکبر سرفراز استاد رشته باستانشناسی دانشگاه تهران با حفاری‌های پیگیر در کاخ، موفق شده‌اند به قسمت‌هایی از تاریخ هنری این مرز و بوم دست یابند، که گزارش فعالیت هیأت مزبور در مجلات باستانشناسی درج گردیده است.

نظیر آثار بدست آمده موزائیک در حفاریات اخیر، و در ۴۰ سال پیش، توسط پرفسور گریشمن در قسمت ضلع جنوب شرقی کاخ بدست آمد که آثار یافته شده، اینک در موزه ایران باستان و موزه لوور پاریس محفوظ می‌باشد. در راهرویی از کاخ که به تالار منتهی می‌شود، آثاری از تصویرنگاری دیواری و گچبری و موزائیک زینت بخش این قسمت بوده، که بطور قرینه، ایوان موزائیک در جهت شرقی ساخته و پرداخته شده است.

طول هر یک از دالانهای جنسی ایوان موزائیک ۱۶/۶۵ متر است که با دوردیف طاقچه تزئین یافته‌اند که احتمالاً مجسمه‌های کوچک مکشوفه سطح روی آنها قرار میگرفته یا نصب میشده و طرفین طاقچه‌ها نیز دارای تزئینات گچبری می‌باشد. از باقیمانده پایه ستونهای برجای مانده چنین برمیآید که سرستونها از نوع گرتتی^{۳۰} بوده که علاوه بر نقوش گیاهی، دارای رنگ سبز بوده‌اند و بدنه و ورودیها نیز دارای رنگ قرمز نظیر آنچه که در تالار پذیرایی شاپور یافته شده می‌باشد. سقف ایوان دارای تزئینات گچبری، با اشکال هندسی و گیاهی بوده و قطعات جالب توجهی از این گچبریها ضمن عملیات حفاری بدست آمده است. علاوه بر این تزئینات، نقش برجسته و یا مجسمه‌هایی از شاهان

ساسانی، بخصوص شاپور اول، زینت بخش این رواق و درگاه است و همانطور که جلوتر اشاره شد، این مجسمه‌ها بر روی دیوار یا طاقچه‌ها نصب می‌شده است (تصاویر شماره ۳۷ و ۳۸).

نقوش گیاهی عبارتند از برگ آگانت^{۳۱}، خطوط شکسته شبیه به صلیب و شاخ و برگهایی که بیشتر به تزئینات معمول در ناحیه شرقی روم شباهت دارد.^{۳۲} در غرب تالار بزرگ که بشکل صلیب است، ایوان موزائیک قرار دارد. حیاط کاخ نیز علاوه بر پیلوس^{۳۳}، با موزائیک‌های منقوش به گل و گیاه و تصاویر زنان و فرشته‌های بالدار و ترکیباتی از خطوط هندسی تزئین شده است و در یک ردیف این نقوش بکار رفته‌اند. نمای تزئینی ایوان از سمت حیاط، با ستونهای برجسته و سر ستونهایی نظیر تخت جمشید که پایه‌های آن رنگی و زیر ستونها دارای ولوت^{۳۴} و سر ستونها گلدانی شکل‌اند، ترکیب یافته است (تصاویر شماره ۳۹ و ۴۰).

ضمن عملیاتی که در رواق غربی این ایوان انجام گرفت، آثاری از قرن پنجم هجری بدست آمده است که این مسئله مورد استفاده کاخ را پس از عصر ساسانی در این دوران نشان میدهد و بهمین علت، تغییرات و تعمیرات موجود را می‌توان مربوط به قرن پنجم هجری دانست، زیرا که مقدار معدودی قطعات گچبری رنگ آمیزی شده از دوران اسلامی نیز، بهمراه مقداری نقش برجسته گچی روی دیوار، مؤید این مطلب است (تصاویر شماره ۴۱ و ۴۲).

۷- آثار گچبری مکشوفه از قلعه یزدگرد

قلعه یزدگرد، یکی از آثار با اهمیت دوران ساسانی است که در چند سال اخیر کاوشهایی از طرف مؤسسه اونتاریو^{۳۵} تحت سرپرستی دکتر ادوارد کیل^{۳۶} در این محل بانجام رسیده است و نتیجه آن، دستیابی به قطعاتی از گچبریهای عهد اشکانی و اوایل ساسانی در این منطقه بود که برخی از آنها زینت بخش تالار مؤسسه ایران باستان است. مهمترین قطعات بدست آمده عبارت است از



- تصویر شماره ۳۹: طرحهای هندسی دایره و کادرهای مربع در طرحهای گاهی از جمله پالمت و مارپیچ‌ها در قطعه‌ای از کاخ بیشاپور (از کتاب پوپ).

- تصویر شماره ۴۰: نقوش هندسی، شامل مثلث‌ها و دایره‌ها در کادرهای مدور و نقوش گیاهی در کاخ بیشاپور (از کتاب پوپ).



۱- بخشی از یک ستون گچی کوچک که بر رویش نقش یک حیوان که قسمتی از کمر و یال شیر را نشان می‌دهد و در کنارش نقش یک انسان دیده می‌شود.

۲- گچبری نقش یک زن که تنها قسمتی از سر و صورت آن معلوم است و سایر قسمت‌ها ساییده شده است. ارتفاع این قطعه ۹ و پهنای آن نیز ۹ سانتیمتر است و بیشتر جنبه سمبلیک دارد و شاید سمبل میترا یا آناهیتا باشد، بعدها در آثار فلزی، این نقش با تکامل بیشتری مشاهده شده است؛ از جمله در جامی که چند زن رقصنده بر روی آن حک شده است.

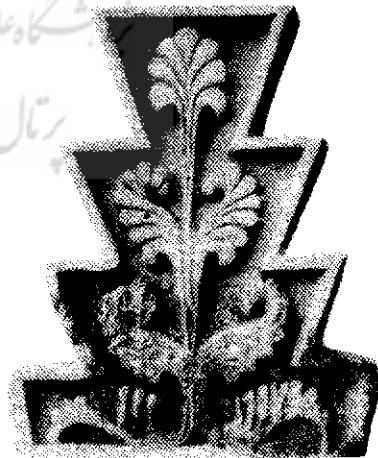
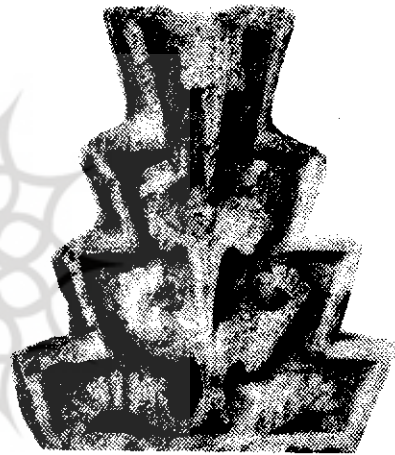
۳- قطعه دیگری از گچبری از یک زن، در

گچبری متقوش انسانی ایستاده در حالیکه دست راست او بحالت احترام بالا آمده و دست دیگرش به بدن چسبیده و فرو افتاده است. در روی سر این شخص یک کلاه است که بصورت تیاره^{۳۷} (پوشش مخصوص اشکانی) می‌باشد و مجموع این نقش، درون یک کادر مستطیل قرار دارد و دور کادر نیز تقریباً بصورت قالبی برجسته است، با تزئینات مختلط که با رنگهای سرخ و آبی وزرد آرایش شده‌اند.

قطعات دیگر، طرحهایی از نقوش انسانی و حیوانی (بصورت اساطیری) و گیاهی است که شامل این موارد است:



- تصویر شماره ۴۱: نقش گیاهی پالمست ۵ و ۷ لیبی درون کنگره، از آثار گچبری کاخ بیشاپور (از کتاب پوپ).



- تصویر شماره ۴۲: نقش گیاهی گل آکانتوس و پالمست ۵ لیبی درون دایره و نقش‌های مجزود در بیرون پالمست و کادر مربع شکل (از کتاب پوپ).

قالبی لوزی شکل نظیر قاب گچبری زنی در پنجره که در کاخ دامغان بدست آمده است.

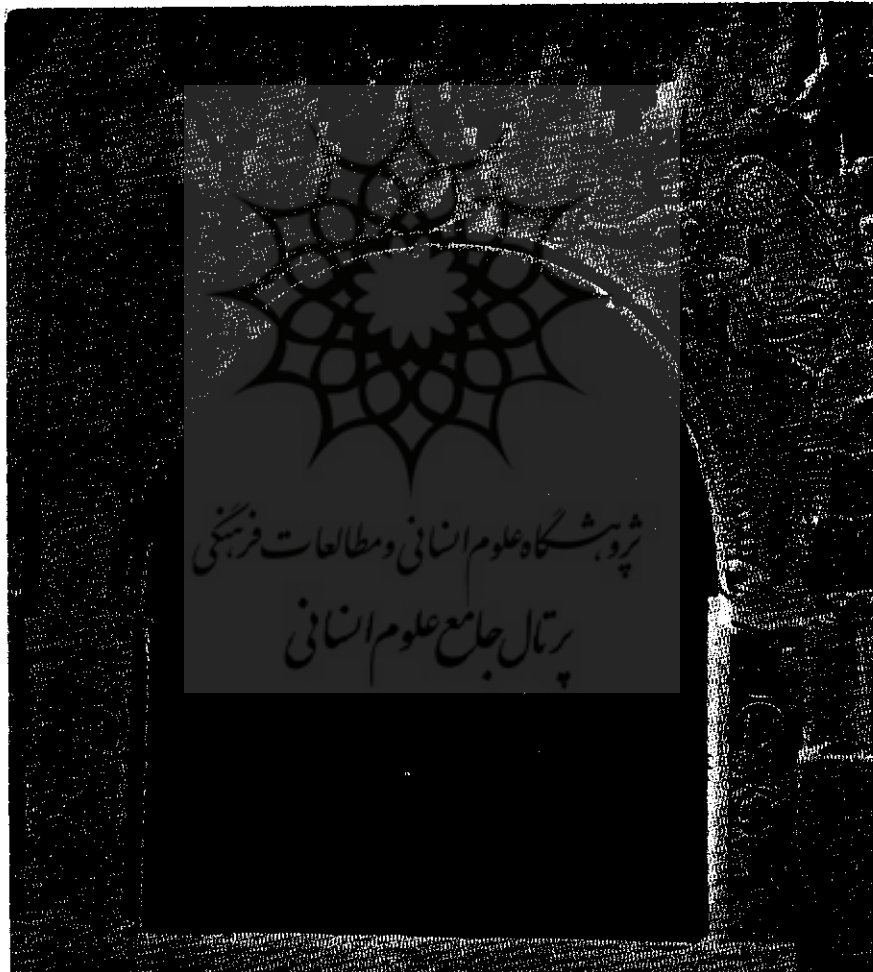
۴- قطعه دیگری از یک گچبری، شامل نیم تنه یک مرد که منحصر بدوره ساسانی است، (همانطور که میدانیم در شرع مقدس اسلام، بعلت تحریم نقش های انسانی کمتر بدین نقوش برخورد می نمایم).
۵- نمونه دیگری از یک قطعه گچبری که دارای نقش حیوان افسانه ای بالدار بشکل سیمرغ است.

- تصویر شماره ۴۳: نمای عمومی طاق بستان در باختران که دارای آثار حجاری و گچبری مربوط به عهد ساسانی است و در بالای نما کنگره های هخامنشی هم دیده می شود.

۶- در میان گچبری های مکشوفه، آثاری با نقوش استیلیزه گیاهی کشف شده است که معمولاً رنگامیزی شده اند.

۷- قطعات دیگری با نقش گیاهی برنگ سرخ و زرد و سبز با ارتفاع ۲۸ و پهنای ۲۰/۵ سانتیمتر.

۸- آخرین قطعه بخشی از یک گچبری است با نقوش گیاهی بطول ۲۴ و عرض ۲۳/۵ سانتیمتر. کلیه این قطعات گچبری در حال حاضر در ویتروین ۱۹ مربوط به قلعه یزدگرد در موزه ایران باستان موجود است و شاید حفاریات آینده بتواند گوشه های دیگری از آثار گچبری عهد ساسانی را بجا عرضه دارد.

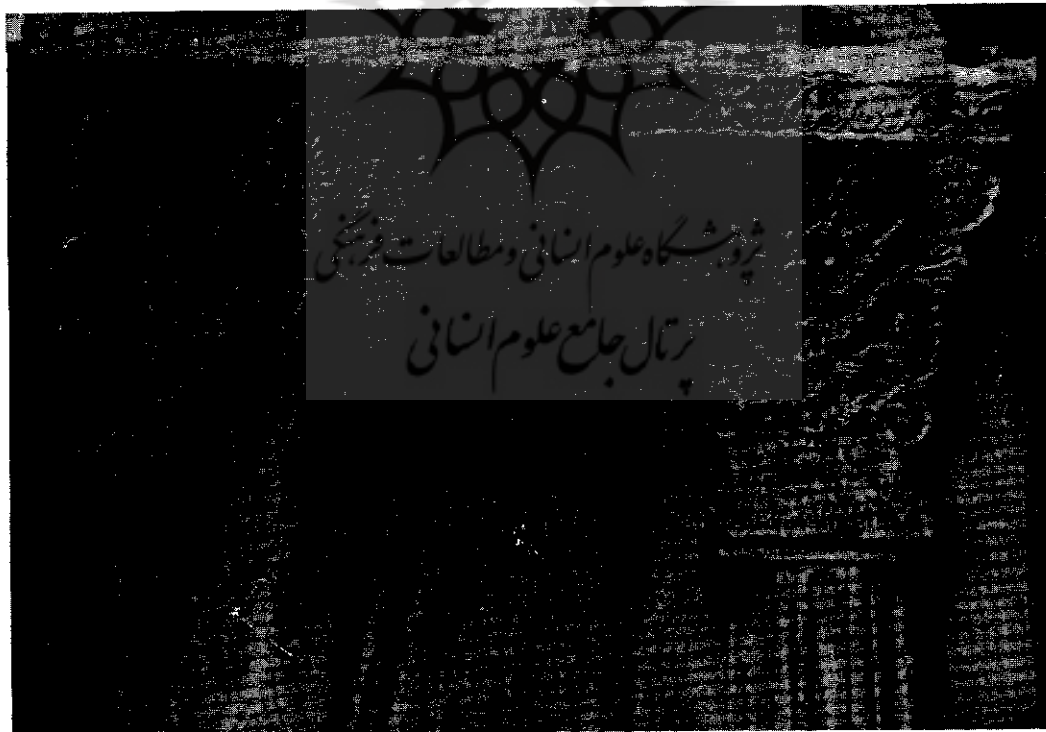


فصل سوم: تداوم و تأثیر هنر گچبری ساسانی در آثار دوران اولیه اسلام

در معماری عصر ساسانی، موتیف های تزئینی گچبری، نشانگر روح هنرمندان و تلفیق داستانها با نقوش در بعضی از مجالس بوده است، که عیناً این خلاقیت های ذهنی و روحی در پرداخت جمعی موتیف های اسلامی نقش مؤثر داشته اند و چه بسا آثار مختلف معماری اسلامی به تغییراتی ورای آثار ساسانی دست یازیده و بالنسبه توانسته اند آثارشان را با آثار ساسانی تطبیق دهند؛ بطوریکه با عرضه نمودن بناهای عظیم، تقلید و اقتباسشان را از هنر بومی آسیایی نشان داده اند. هم چنین در آثار سفالین و زرگری و فلزکاری نیز انواع موتیف های گچبری تأثیر داشته و با الهام از برخی از آنها، سعی شده تا حدی نفوذ نقش های حیوانی و گیاهی و انسانی را به بیننده محقق القاء نماید؛ نظیر آثار هنری موجود از ظروف سفالی و نقره ای عهد ساسانی که دارای پوزیسیون^{۳۸} و ترکیباتی از نقش

در دو فصل گذشته به نحوه پایه گذاری اسلوب گچبری و نقطه آغازین آن که شامل دورانهای اشکانی و ساسانی بود، اشاره کردیم. اینک در فصل سوم گفتار، که مربوط به تأثیر گذاری این فن در هنرهای اسلامی و هم چنین هنرهای ممالک دیگر می شود، مروری خواهیم داشت بر چگونگی جایگزینی موتیف ها و عناصر سازنده گچبری که بدون شک گفتگو درباره این مسئله در حقیقت ارج نهادن به موارث فرهنگی و کاربرد اشکال و نقوشی است که قسمت اعظم آثار هنری را در بر داشته است. در این فصل سعی شده است که بطریقی رابطه بین آثار گچبری ساسانی و دیگر آثار هنری دوران اسلامی اعم از معماری، سفال، ظروف فلزی و قالی و منسوجات در نظر گرفته شود.

تصویر شماره ۴۴: یک ستون و سرستون گچبری شده و چند قطعه برگ مو تزئینی بر روی نمای طاق بستان که نشان دهنده موتیف های تزئینی است.



تصویر شماره ۱۵: طرح یک پارچه ابریشمی مربوط به بیزانس که شش شبرو دیگر نقوش گیاهی و هندسی را نشان می‌دهد.



گچبری‌ها بصورت شکار پرنده‌گان، انسانهای سوار بر اسب و یا منظره‌ای از مراسم مذهبی یا بزمی که اغلب نقش لوتوس و یا خوشه‌های انگور و یا رقصندگان را نشان می‌دهند (تصاویر شماره ۴۳ و ۴۴).

در آثار منسوجات عهد ساسانی، از جمله آثاری که در طاق‌بستان تجسم یافته‌اند، موضوعات گوناگونی را بخصوص در روی پارچه‌های ابریشمین ملاحظه می‌نمائیم که نشانه‌هایی شامل تصاویر حیوانات، صحنه‌های شکار، مخصوصاً شکارهای بهرام‌گور را بر روی خود دارند و بعدها بافندگان بیزانسی^{۳۹} نیز بر روی یکی از پارچه‌های ابریشمین خود، نقش دوشیر را بر روی زمینه قرمز ارائه داده‌اند^{۴۰} که در بخش مربوط به تأثیر موتیف‌ها بر روی آثار هنری بیگانه، بدانها اشاره خواهیم کرد (تصویر شماره ۴۵).

در این فصل، ابتدا به تأثیر گچبری در آثار اسلامی پرداخته و سپس نفوذ آنرا در آثار هنری ملل مختلف دنبال خواهیم نمود.

۱- تأثیر هنر گچبری در آثار هنر اسلامی:

در نیمه اول قرن هفتم میلادی، ایران یکی از بزرگترین حوادث تاریخی خود، یعنی ظهور دین مسیح اسلام را شاهد بود و پس از آن نسبت به تغییر مذهب و نخط و زبانش به اقداماتی پرداخت. این حرکت و حادثه تاریخی باعث گردید که ایران به دو دوره باستانی و اسلامی تقسیم گردد که در مرز این دو دوره در یک طرف حکومت ساسانی، و در طرف دیگر حکومت اسلامی قرار گرفت^{۴۱}. میدانیم که هنر ساسانی در تداوم هنرهای باستانی قبل از خود، چون هنر اشکانی و هخامنشی به تحولاتی دست یافت و در انواع مختلف هنر متکامل شد و همین نهضت باعث گردید که در دوران ظهور اسلام و بوجود آمدن دوران هنر اسلامی، متد و روش آن دنبال شده و آن را با تغییراتی شرعی و عرفی چون میراثی گرانها پذیرا باشد.

اشاره کردیم که آنچه در هنر ساسانی اهمیت داشت، ایجاد آثاری بود که از خلأ قیامت و ابتکار هنرمندان برخوردار باشد. قسمت اعظم آثار معماری، بخصوص در ساختمان کاخ‌ها و بناهای عظیم و نقوش برجسته و هم‌چنین تزئین هر یک از آنها با روش اسلوب فن گچبری و گچکاری و موزائیک و نقاشی انجام گرفته است و هم‌طراز با اینگونه آثار ساختمانی در فلزکاری، حکاکی روی مهرها، بافندگی و قالببافی نیز از طرح و موتیف‌های مخصوص گچبری بهره‌گیری و استفاده شده است. البته بایستی اشاره نمود که هر کدام از فعالیت‌های هنری فوق‌الذکر دارای تعاریف و بررسی خاص خود می‌باشند که در این مجمل و بحث ما نمی‌گنجد و نیاز به فرصت دیگری دارد.

بنابراین، با اندیشیدن به مفاهیم و موضوعات هنری که در کلیه آثار ساسانی رعایت شده است، در می‌یابیم که در دوران هنر اسلامی، چگونه از آن موضوعات استقبال شد و بخصوص تا آنجا که برای هنرمندان مسلمان عصر اسلامی امکان داشته است در مساجد و مدارس و حتی بناهای عام المنفعه، تقلیدی خودآگاهانه از طرح‌های ساسانی الهام گرفته شده است تا آنجا که منجر به ابداع طرح‌های جدیدی، از جمله نقوش اسلیمی و خطایی (ختایی) در دوران اسلامی گردید.

هنر اسلامی بموجب کتب و تواریخ، با ظهور دین مسیح اسلام متولد گشته و با تجاری از هنرهای پیشین شروع به رشد و گسترش نهاده و در قرون ۸ و ۹ و ۱۰ به اوج خود رسیده است و در مجموع، تلفیقی است از روشهایی که در هنرها و سنت‌های شرقی و غربی وجود داشته است.

در حقیقت، پیدایش هنر اسلامی همزمان بوده است با چکاچاک شمشیر و آوای سم ستوران در بیابانها و بانگ بلند پروزی «الله اکبر!» بانگ بلندی که چهارده قرن پیش، از مرزهای عربستان پافراتر گذاشته و جهانی را به لرزه واداشت. ظهور پیامبر بزرگوار اسلام حضرت

محمد(ص) و سخنان ایشان که پیوسته همه را به برادری و برابری دعوت می نمود، باعث گردید که نیروی ایمانی در قلوب مردم ستمدیده آن زمان بوجد آید، تا آنکه در جهان بانگ «لا اله الا الله و محمد رسول الله» طنین افکن شود و همین نیروی ایمان و وحدت کلمه بود که در آن عصر صحرای عربستان، آناتولی، روم، سوریه، مصر، و سراسر کرانه های شرقی مدیترانه را دربر گرفت و ایران نیز در آن عصر از پرتو این نیروی ایمان دورنماند و بزودی با فریاد رسای نمایندگان اعزامی پیامبر از خواب غفلت بیدار گشت و عاقبت در آخرین جنگ بین ایرانیان قدیم و اعراب مسلمان در سال ۶۴۲ میلادی (۲۲ هجرت) اعراب مسلمان در جنگ نهاوند، سپاهیان ارتش ساسانی را درهم پاشیدند و دروازه های ایران در مقابل مسلمانان گشوده شد و اسلام به سرزمین ایران وارد گشت و راه خود را تا آسیای میانه از طریق رود جیحون ادامه داد، تا سمرقند و بخارا گسترش یافت و عاقبت در سال ۷۱۰ میلادی (۹۲ هجری) پیشتازان فتح اسلام به مرز هند راه یافتند.

تاریخ چگونگی گسترش دین مبین اسلام پس از ظهور حضرت محمد(ص) و بحث و بررسی پیرامون آن ما را از مسیر گفتار خود دور میسازد، لذا بار دیگر باز میگردیم به دنباله سخن.

گفتیم که هنر اسلامی بیانگر سنت ها و روش هایی بود که توسط حضرت پیامبر نازل و بصورت مردمی رایج گردید و آنچه را که مردم می آموختند و عمل میکردند و حتی بر اساس آن می زیستند و اینک نیز حیات باقی را بر اثر آن میدانند، قرآن کریم بود. زبان قرآن که بصورت عربی بود، جهانگیر شد و خود بصورت زبانی رسمی ظاهر گشت. قرآن دارای معانی و لغات و عبارات شیرین و جذابی است که راه و روش زیستن را بهمراه داستانهای گوناگون از انبیاء و رسولان عرضه داشته است؛ این کتاب آسمانی باعث گردید تا هنرمندان، کم کم تمامی معیارهای شرقی و غربی دورانهای پیشین را با تأنی و

تأمل تغییر دهند تا دور از هرگونه ریا و تزویر و استعاره باشد و حتی در فرم نقاشی، مجسمه سازی و یا معماری در شهرها و روستاها دست به ابتکار و خلاقیت زدند. در دوران اولیه اسلام سعی بر آن داشتند که به اقتباس از آثار ایرانیان و کلیساهای بیزانس و فلزکاریها و ساختن ظروف شیشه ای و سفالهای نقاشی شده، بهمان سبک و سیاق بپردازند و حتی مساجدی را که بر پا میکردند، خالی از تزئینات و تریکیات معماری آن دوران نبود و چون حکومت اسلام بر سرتاسر گیتی نفوذ یافت، کم کم پس از طی چند قرن، هنر هنرمندان در هر رشته ای با هم پیوند خورد و در زیر فرمان اسلام مبتدل به شیوه هایی شد که امروز به نام هنر اسلامی شناخته میشود.

تا اینجا منشاء هنر اسلامی در ایران مشخص گردید و در آثار اسلامی خارج از ایران نیز آنچه که محرز است، شیوع و انتقال هنرهای بومی به ممالک اسلامی بوده است و نتیجه آن ایجاد آثار مختلف و متنوع هنری می باشد که به لحاظ تطابقی که حکومت اسلامی در ایران و حکومت اسلامی در خارج از ایران داشته است و در نتیجه از نظر اسلوب و روش کار نیز دارای فرمولهای تزئینی در ایران بوده است، لذا ناگزیریم این بخش از گفتار را با دو قسمت زیر دنبال بنمائیم:

الف: تأثیر هنر گچبری در آثار اسلامی داخل ایران

ب: تأثیر هنر گچبری در آثار اسلامی خارج از ایران

الف: تأثیر هنر گچبری در آثار اسلامی داخل ایران

در فصل گذشته، هنگامیکه درباره موتیف ها و نقش های گچبری صحبت میکردیم، در ادامه بحث اشاره ای داشتیم به موتیف های انسانی و دانستیم که این نوع نقش ها گذشته از تعداد کمی که بر روی دیوارها نقش شده بود، تعدادی هم بصورت مجسمه های عظیم و گاهی نیم تنه ساخته شده که آنها را بصورت نصب بر روی دیوار و یا قرار دادن داخل طاقچه ها مورد استفاده قرار میداده اند. اما در اواخر دوران ساسانی و با به روی

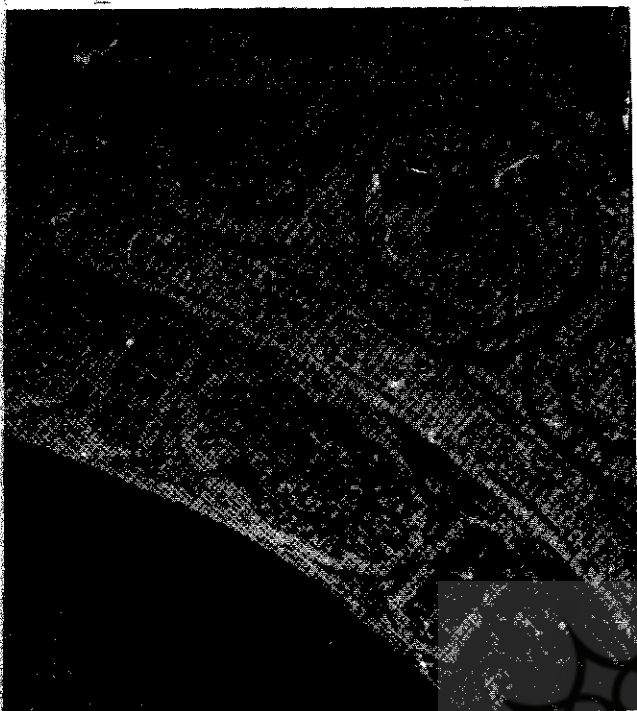
کار آمدن آئین اسلام، تندیس سازی کمتر مورد توجه قرار گرفت و دیگر از نقوش برجسته و یا مجسمه های عظیم در آغاز این دوران اثری بچشم نمی خورد. تنها در میان نقوش حیوانی و انسانی که در دوران اسلام بیشتر جلب توجه می نماید، نقوش طراحی شده بر روی ظروف فلزی است که با الهام از نقوش حجاری ها در طاق بستان بکار گرفته شده است.

با تحوُّلی که هنر گچبری در دوران اسلامی یافت، کم کم موتیف های سیمرخ، برگهای مو و گل و بوته و علاوه بر آنها، نقوش اسلیمی و ختایی در آثار مورد استفاده واقع شد. نمونه این طرحها را در کاخ عمان، قصر الممشتی^{۴۲} و کاخ سامرا^{۴۳} در «هنرهای اسلامی در سرزمین های بیگانه» توضیح خواهیم داد.

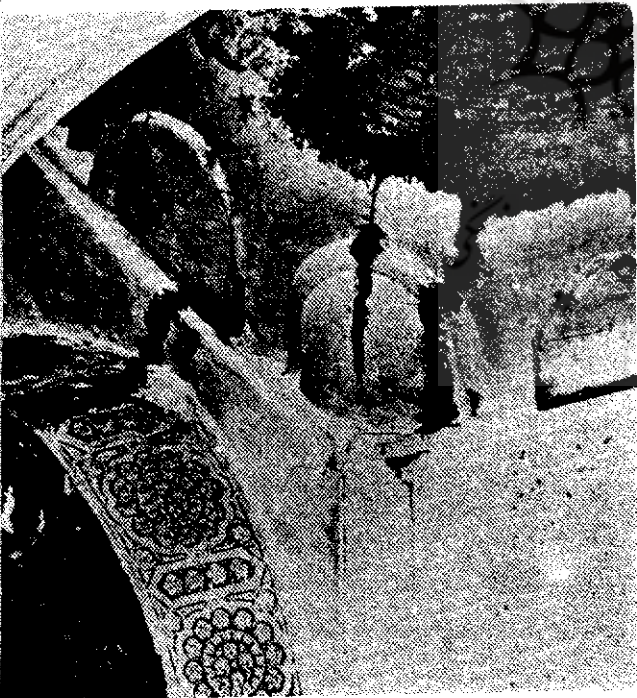
استوک - استوک^{۴۴} بمعنی قطعه ای از گچبری با طرحهای مختلف است. از آثار دوران هنر اسلامی، اول بار، ده قطعه از آن در نظام آباد تهران و در شوش بدست آمد که در حال حاضر در موزه لوور پاریس قرار دارد.

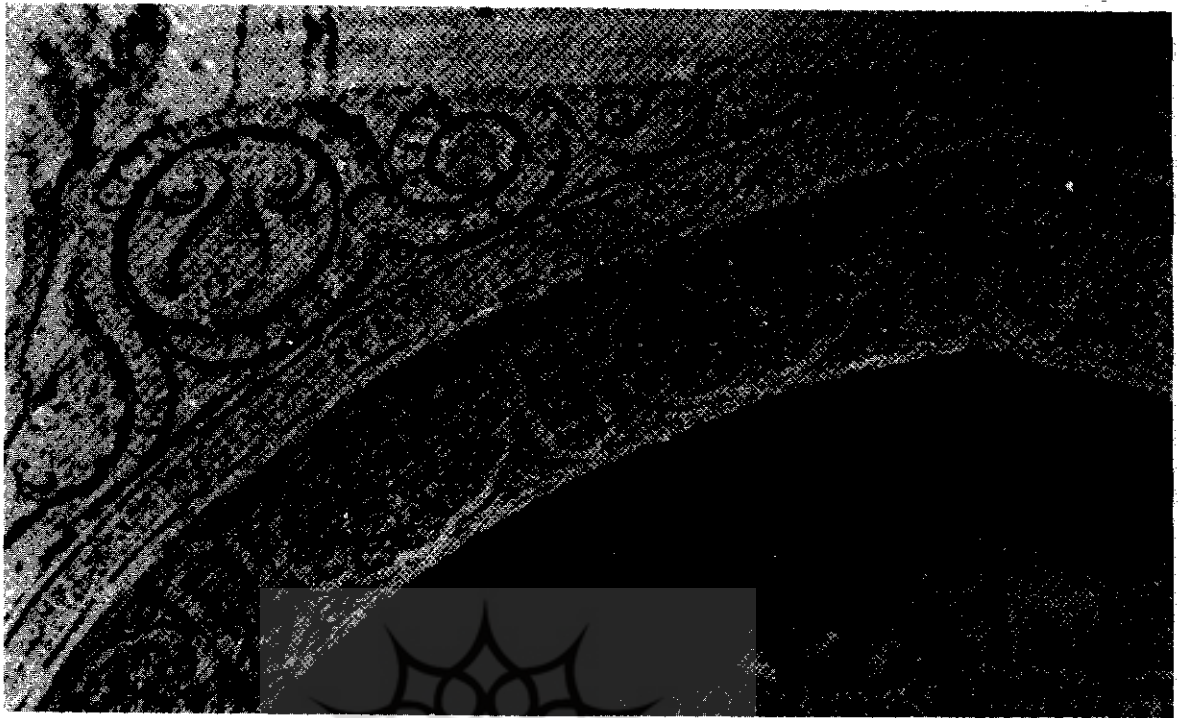
آثار معماری - معروفترین اثر دوران اولیه اسلامی که دارای قطعات بی نظیری از گچبری می باشد، مسجد جامع نائین است که صرفنظر از پلان و فرم و مصالح در تزئینات آن، از روش های ساسانی استفاده شده است. در این مسجد مجموعاً سه گروه موتیف بصورت هندسی، گیاهی و خط و کتیبه در لابلاي کارهای هنری بچشم می خورد. جالبترین قسمت مسجد، محراب گچبری شده آنست که در قالب های مختلف بر روی آن کار شده است. این محراب دارای سه طاق نماست و از تزئینات گچی فراوان برخوردار می باشد که بیشتر آنها شامل طرحهایی گیاهی از جمله پالم، نقوش کاجی شکل و برگهای کنگر است، و در داخل محراب کتیبه ایست مزین که با گلها و دواير تزئینی معمول در دوره ساسانی

- تصویر شماره ۴۷: کيسه گچبری و نقوش هندسی و گیاهی قسمت چپ در زیر قوس محراب جمعه نائین.



- تصویر شماره ۴۶: نقوش هندسی و گیاهی زیر قوس نزدیک محراب مسجد جمعه نائین به همراه کتیبه کوچک مسجد بچشم می خورد.





است که شامل رنگهای سفید، زرد، آبی و قرمز است و بصورت طرحهای زیبای طوماری و برگ نخلی است که بعضی از آنها درون شکل های چهارگوش یا ششگوش، مانند اشکال تزئینات سامره، قرار دارد.

گچبریهای کاخ نیشابور آثار جالب توجهی را درباره بقای اسلوب ترسیم اشکال حیوانی در صنایع اسلامی آشکار میسازد و گاهی در برخی از قسمت ها، شکل سر پرند دیده میشود که برگ نخلی را به منقار دارد که شبیه این طرح عیناً در ظروف نقره دوران ساسانی بکار میرفته است. روبان های تزئینی، بصورت مثلث و گل نیلوفر آبی و پرندگان و نخل همانند کاخ سامره در این کاخ بکار رفته است.

گچبریهای کاخ نیشابور، از لحاظ اسلوب و روش با گچبریهای سامره و مسجد جامع نائین قابل مقایسه می باشند و شاید حلقه ارتباطی بین زمان حکومت بنی عباس و اسلوب دوره سلجوقیان در ایران باشد^{۴۶} که

آرایش داده شده است و نهایت ظرافت هنری در آنها به چشم میخورد. علاوه بر طرحهای مذکور، از ترکیبات گل لوتوس و خوشه های انگور و برگ مو، بهترین نمونه تزئین را می توان مشاهده کرد. در مجموع، محراب مسجد نمونه کاملی از موتیف های گچبری متأثر از طرحهای ساسانی در دوران اولیه اسلامی است (تصاویر شماره ۴۶ و ۴۷). گذشته از مسجد جامع نائین، می توانیم از کاخ نیشابور در خراسان نیز یاد کنیم که آثاری از هنر گچبری را در قرن نهم و دهم نشان میدهد. در چند سال اخیر از طرف موزه متروپولیتن حرفیاتی در این کاخ انجام گرفته و منتج به کشف گچبری هایی چند گردیده است^{۴۵}. کاملترین قسمت های گچبری در قسمتی از کاخ بنام ابنیه سبز پوشان است که شامل مقرنس های دیواری است و در قسمت جنوب غربی صحن حیاط و تالار گنبددار مجاور آن قرار دارد. کامل کننده این نوع گچبریها، رنگهایی است که بر روی آنها نقش بسته

بعدها در بسیاری از آثار و ابنیه قرن دوازدهم، نظیر مسجد جامع قزوین و مسجد جامع اردستان تأثیر گذاشته است. در دوران اسلامی، گذشته از تزئین مساجد و مدارس، برای تزئین عمارات و کاخ اشرف نیز از طرحهای گچبری استفاده شده است و این روش تا دوران مغول نیز رواج داشت و به اوج خود رسید و حتی در آثار دوران بعد از مغول نیز تأثیر گذارد و آنچه از دوران حکومت مغول بصورت ابنیه تاریخی مشمول طرحهای گچبری شده است، مسجد حیدریه، گنبد علویان، محراب مسجد جامع اصفهان، محراب مسجد الجاتیودر بسطام (که تصاویر این مساجد جلوتر آمده است) و غیره را می توان نام برد و این تصور هنری بعدها در دوره تیموریان نضج گرفت و در دوران صفویان، در آذین بندی کاخ ها و عمارات و مساجد به پیشروی ادامه داد و کم کم از این دوره بیعد در منازل اعیان بهمرآه آئینه کاری های جالب بکار گرفته شد و حتی تا اندکی پس از قاجار، در ایران گچبری تلؤلویی یافته و کم کم راه افول را پیمود.

سفال - همانطور که در صفحات قبل اشاره گردید، هنر گچبری نه تنها در آثار معماری، بلکه در هنرهای اسلامی، پیوسته در هر نوع کار هنری دیگر تأثیر داشته است. در مورد استوک، معماری، فلزکاری و تأثیری که طرح های گچبری بر رویشان داشته است سخن گفتیم و حال ضرورت دارد قبل از سخن گفتن درباره آثار گچبری در هنرهای بیگانه، در مورد نقش گچبری بر روی سفال، در دوران اولیه اسلامی نیز اشاره ای داشته باشیم (تصاویر شماره ۴۸ و ۴۹).

در این زمینه، معروفترین آثار سفالی مربوط به عهد سلجوقیان است که بار دیگر رجعتی به گچبری با خطوط کوفی تزئینی و بتیابی می باشد. از این عهد ظروف سفالی بسیاری برجای مانده است که بیشتر آنها در موزه ایران باستان موجود است، اما قدیمی ترین ظرف سفالی دوران سلجوقی متأثر از نقش گچبری ظروفی است که در حفريات غوبسیرا^{۴۷} در شهر کرمان، توسط هیئت

بررسی دانشگاه اورینتال^{۴۸} لندن در سال ۱۹۷۲ بدست آمده است. قطعاتی از ظروف سفال که دارای نقش های استامپی^{۴۹} می باشند، نشانگر موتیف های عهد ساسانی و حتی موتیف های متداول عصر هخامنشی بوده است که شامل طرح روزت و شیارهای قاشقی، شبیه به شیارهای روی ستونها و نقوش زنجیره ای دوره ساسانی است.

پیدایش این نوع سفالها در تپه غوبیرا، پدیده بسیار تازه و کم نظیری بود که می بایست مرکز ساخت آنها را در غوبیرا پیدا نمود. با بررسی هایی که متعاقباً انجام گردید، ادامه این سفالینه ها در سبزواران جیرفت، در جائیکه بنام شهر باستانی دقیانوس خوانده میشود، در حاشیه هریرود، بدست آمد، شهری که به گواهی تاریخ در دامه کوههایش، اولین کوره ذوب فلز در هزاره اول، مایحتاج این منطقه را تأمین میکرده است. این شهر هم اکنون تل خاکی بیش نیست و برجستگی های متعددی در آن بچشم میخورند که دریایی از سفالهای فوق الذکر را در سینه خود نگهداشته است. معروفترین قطعه سفال منقوشی که در شهر دقیانوس بدست آمده، قطعه ایست که طرحی از شیرها را بر روی خود دارد و نمونه ایست مهم از طرح روی کارهای فلزی و جواهری عصر هخامنشی، که نمونه های مختلف آنرا بصورت پلاکهای تزئینی که در حاشیه آستین ها و دامن لباس وصل میشده است، می توان یافت و اینک زینت بخش موزه ایران باستان و موزه های خارج از کشور می باشد.

در قطعه دیگر از سفال دقیانوس، تصویر انواع گنگر و چند موتیف دیگر است و هم چنین طرحهای زنجیره ای متأثر از گچبری عهد ساسانی را نشان میدهد. نمونه طرح اخیر را بر روی آثار تپه حصار دامغان و طاقچه های کاخ چال ترخان ری نیز خواهیم دید و در آثار ماقبل تاریخ ایران نیز تنها یک نمونه بر روی قطعه سفالی است که متعلق به قرن نهم قبل از میلاد است و در تپه حسنلور آذربایجان بدست آمده است و نیز آثاری از سنگ مرمر

بصورت سرستون و ته ستون در تخت سلیمان آذربایجان کشف شده، که تا حدودی تزئینات روی آنها شباهت به نقوش گچبری دارد (تصاویر شماره ۵۰، ۵۱ و ۵۲). در شهر همدان نیز بنیایی است با نام مسجد علویان که متعلق به قرن ششم هجری قمری و همزمان با دوران سلجوقیان است. این بنا مهمترین اثر تاریخی همدان بشمار میرود. نمای خارجی مسجد در دو طرف (تصویر شماره ۵۳ و ۵۴) دارای طاق‌نماهایی است که تزئینات آنرا اشکال هندسی لوزی شکل بزرگ و کوچک در لابلای آجرکاریهای ظریف تشکیل میدهند و در پیشانی در ورودی نیز بقایای کتیبه‌ایست زیبا بخط کوفی برجسته و پس از آن گل و بوته‌هایی است که با طرحهای گچبری قاب بالای دیواره‌های خارجی و ستونهای جانبی، جلوخان مسجد را زینت بخشیده‌اند. بر روی قطعه سنگی که اخیراً در اطراف طاق‌بستان باختران بدست آمده، طرحهایی از نقوش انسانی و گیاهی را ملاحظه می‌نمائیم (تصویر شماره ۵۵). در مدرسه شمسیه یا بقعه سیدشمس‌الدین در یزد که از آثار با ارزش قرن پنجم نیز بشمار میرود، تزئینات گچبری را بصورت طرحهای گیاهی و هندسی (دایره‌های منظم) مشاهده میکنیم (تصاویر شماره ۵۶ و ۵۷).

ب: تأثیر هنر گچبری در آثار اسلامی خارج از ایران

بطوریکه در مقدمه این فصل اشاره گردید، آثار هنری ساسانی گذشته از شکوفایی و تحوّل که در داخل ایران پدید آورده‌اند، دامنه گسترش آنها نیز از مرزهای ایران فراتر رفت و بدنیاال روی کار آمدن دوران هنر اسلامی، تابع سنن و روشهای جدید و خاص گردید، تا آنجا که به‌همراه تأثیرگذاری، تغییراتی کلی نیز بخود گرفت؛ خاصه آنکه در دوران‌های اولیه اسلامی روش‌های جدید و جالبی در زمینه کارهای تزئینی ب جریان افتاد و به‌همراه این تغییر و تحول در داخل ایران، در خارج از مرزهای فعلی ایران نیز رسوخ پیدا نمود که در حال حاضر



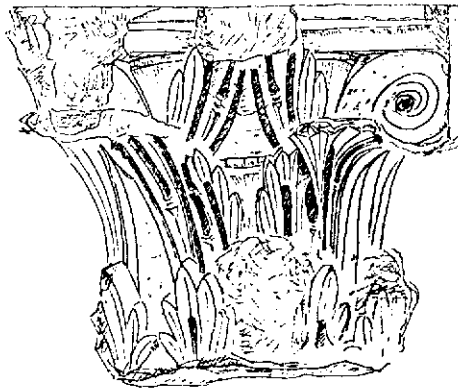
- تصویر شماره ۴۸: ظرف سفالی منسوب به قرن پنجم هجری که نقش عقابی را درون دایره نشان می‌دهد که متأثر از طرح گچبری است.



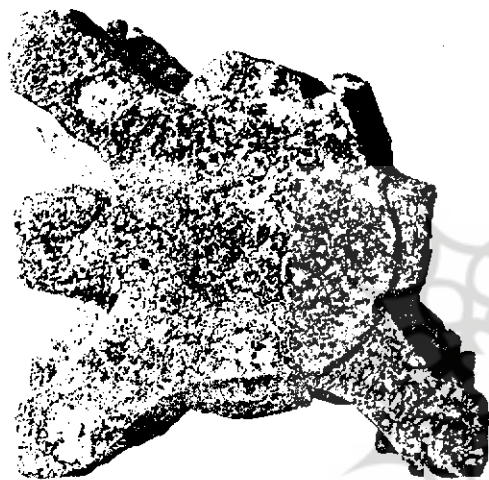
- تصویر شماره ۴۹: قندح سفالی منسوب به قرن پنجم هجری که یک جفت مرغابی را در طرفین یک درخت نشان می‌دهد.



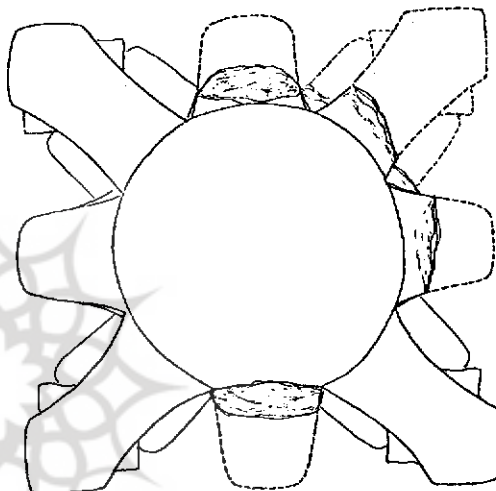
قطعه سنگ مرمرین بدست آمده



طرح قطعه بازسازی شده



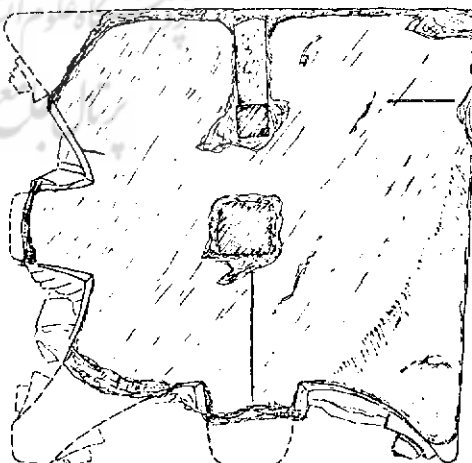
اصل سنگ مرمرین بدست آمده



طرح بازسازی شده



اصل سنگ مرمر مکشوفه



طرح بازسازی شده آن.

تصویر شماره ۵۰ و ۵۱ و ۵۲: طرحهای گچبری بر روی آثار سنگی در تخت سلیمان آذربایجان.

در دورهٔ امویان

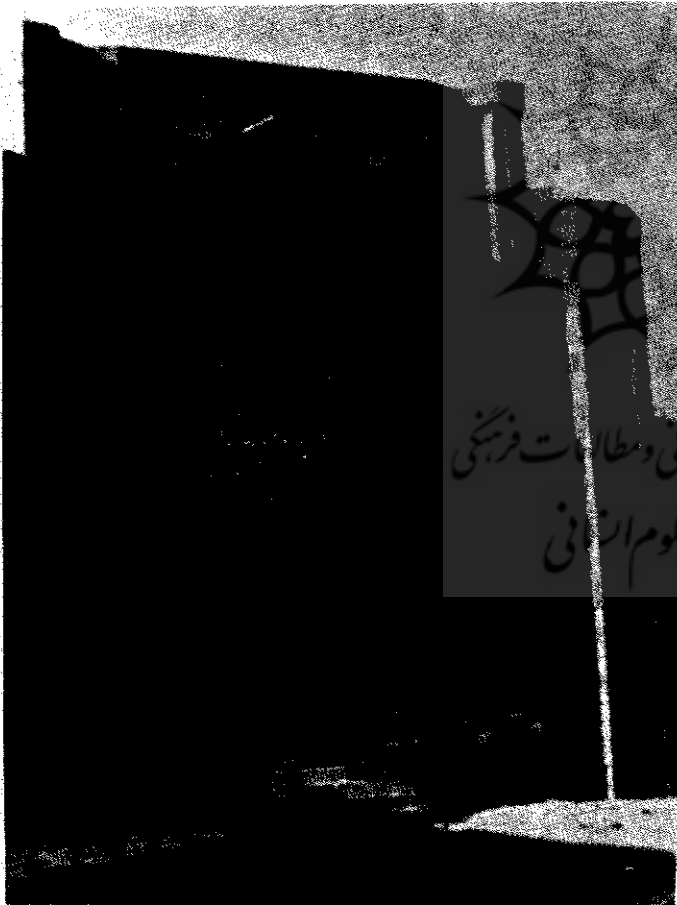
در این عهد، ایجاد بنا بصورت مساجد بزرگ مورد توجه قرار داشته و آثاری چون قُبَّة الصخره، مسجد الاقصی، مسجد بزرگ دمشق ۵۲ بنا نهاده شد و در کنار اینگونه بناها به ساختن بعضی از کاخها و قلعه‌ها همت گمازدند که هنوز قسمت‌هایی از اینگونه آثار باقی مانده است. عمدهٔ آثار کاخ و قلعه در سوریه و ماوراء النهر، اردن و فلسطین قرار دارد. در عهد امویان، ساختمان مسجد کوفه، شهادتگاه مولای متقیان علی ابن ابیطالب (ع) مرمت و تجدید بنا گردید. توضیح بیشتر درباره نحوهٔ معماری و ساختمان‌سازی

- تصویر شماره ۵۴: سردر و جلوخان ورودی مسجد علویان در همدان.

بسیاری از اینگونه آثار متأثر از هنرهای ساسانی و اسلامی را در ممالک عربی مشاهده می‌کنیم.

بطور کلی با مشاهدهٔ تاریخ هنر اسلامی درمی‌یابیم که تأثیر المانها ۵۰ و موتیف‌های گچبری عهد ساسانی بیشتر بر روی آثار هنری عهد اموی و عباسی بچشم می‌خورد ۵۱ و از این دو سلسله آثار جالبی بر جای مانده که نشانگر شواهدی ارزنده از ایده و افکار هنرمندان پیرو مکتب هنری اسلام و ساسانیان می‌باشد. برای نمونه در ذیل به چند اثر معماری از دوران‌های اموی و عباسی می‌پردازیم. (تصاویر شماره ۵۸ و ۵۹ نمونه‌ای از طرح گچبری را بر روی سرستونهای کاخهای عباسی نشان میدهد)

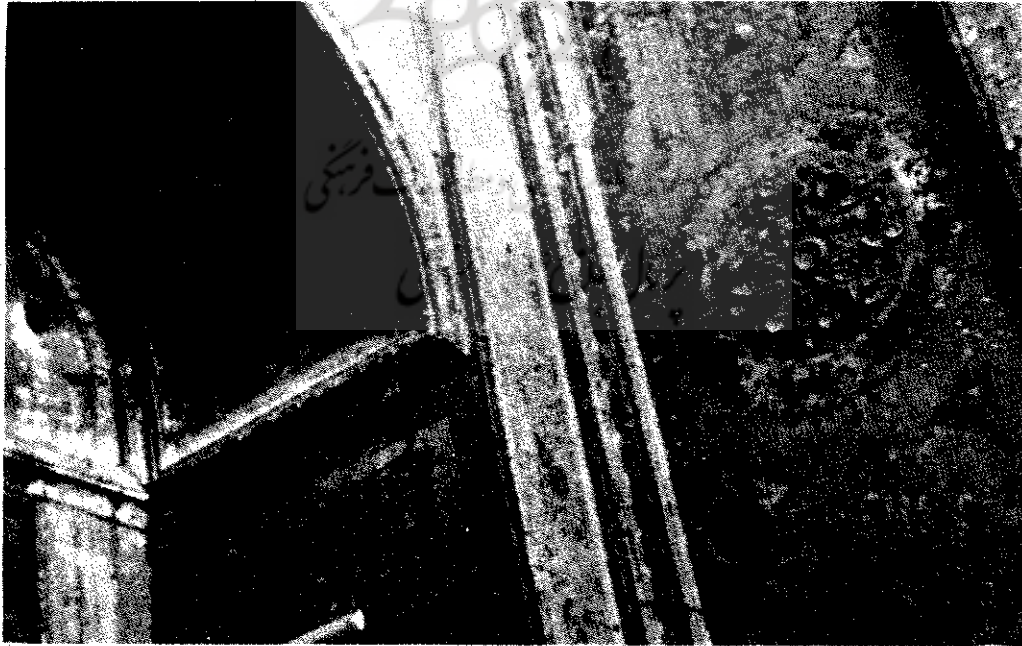
- تصویر شماره ۵۳: جزئیات گچبری و کتیبهٔ دور سردر و جلوخان ورودی مسجد علویان.





تصویر شماره ۵۵: سرستون بدست آمده در طاق بستان، که مربوط به آثار دوران ساسانی است و بر آن نقش یکی از شاهان ساسانی نقش بسته و در فضاهای دیگر آن تزئینات گچبری مشهود است.

تصویر شماره ۵۶

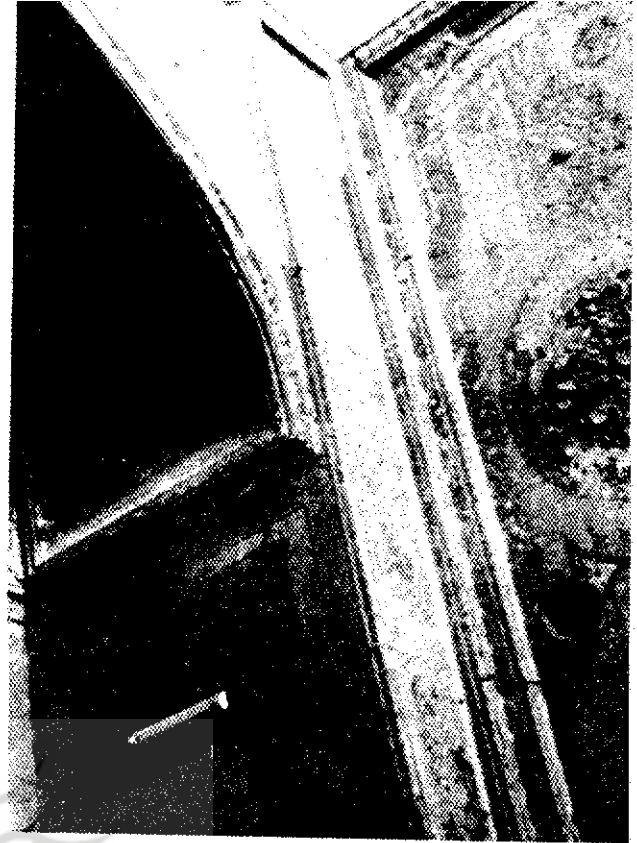


فواصل، گالریها (غرفه‌ها) و راهروهایی است که مجموعه کاخ را تشکیل میدهند و بالاخره تزئینات گچبری داخلی و خارجی کاخ.

نمای کاخ عمان که با طاق‌نماهایی رویهم‌قرار گرفته و گچ‌کاریهای دندان‌دار و کنده‌کاریهای گیاهی و برگهای استیلیزه به آنها زینت بخشیده‌اند، از نظر فرم شباهت زیادی به طاق کسری یا ایوان مداین در تیسفون^{۵۲} و گچ‌بریهای کاخ فیروآباد^{۵۴} و نیز کاخ بیشاپور و حجاریهای طاق‌بستان^{۵۵} دارد و برخی از موتیف‌ها، نمایانگر نقوش روی ظروف و قطعات فلزی عهد ساسانی می‌باشد.

بنای دیگر این عهد عمارت قصرالمشتی^{۵۶} است. این کاخ دارای یک حیاط داخلی مربع شکل بوده و در مدخل آن، سه جفت ستون پیوسته قوسهای عرضی را نگهداشته‌اند و در مقابل آن سمت جنوب عمارت، تالار جلوس واقع شده که دارای سقف گنبدی است که به ایوان بزرگ سه دهنه متصل شده است^{۵۷}. در این کاخ از گچ بعنوان عامل تزئین و ملاط ساختمان و در کف اطاقها و قصر از پوشش موزائیک بهره گرفته‌اند.

تزئینات کاخ المشتی شامل حجاری و کنده‌کاری روی نمای کاخ است. این تزئینات از پایه تا نیمه دیوار کشیده شده است و در میانه دیوار، نقش گچبری بصورت مثلثی که گل نیلوفرآبی لوتوس را در میان دارد، ظاهر میشود و کناره آن نیز مزین به نقش گیاهی است که شامل شاخ و برگهای موخوشه‌های انگور میشوند. در موتیف‌های گچبری می‌توانیم شاخه‌های پر پیچ‌مورا مشاهده کنیم. نقش حیوانی نیز در این گچ‌بریها بچشم می‌خورد که از جمله اژدها با دم طاووس و یا سیمرغ را باید نام برد که نظیر آنها در گچ‌بریهای طاق‌بستان، زینت‌بخش ردای شاه ساسانی است. نقشی از گل و گیاه پالم‌ت را در حواشی تزئینات بکار گرفته‌اند که یک نمونه آن عبارت از قطعه گل گچبری شده‌ایست با دارا بودن شباهت بسیار زیاد به گل‌های گچبری شده



... تصویر شماره ۵۷: در دو تصویر فوق تزئینات گچبری را در بقعه یا مدرسه سیده شمس‌الدین در یزد ملاحظه می‌نماییم.

در عهد امویان ممکنست ما را از بحث اصلی خود دور سازد، لذا در اینجا لازم است به تشریح موتیف‌هایی که در آثار معماری عهد اموی مورد استفاده قرار داشته پردازیم. مسجد کوفه نقطه آغازین تحرک و تحول هنر اموی است و در آغاز حکومت همین سلسله، تجدید بنا گردیده است و شگفت آنکه المانهای معماری و موتیف‌های گچبری بکار برده شده در این مسجد، بسبب معماری اسلامی در ایران است که تحت تأثیر واقع شده و آمیزه‌ای از هنر معماری اسلامی و هنر گچبری ساسانی را ارائه میدهد.

بنای معتبر دیگری که می‌توان به لحاظ تزئینات زیبای گچبری معرفی نمود، کاخ عمان در شمال اردن است که مشخصات هنری آن بدین شرح است: یک حیاط چهارگوش در وسط، تالارها و اطاقها در اطراف حیاط و در پشت آنها طاق‌نماهایی با قوس جناقی و در



تصویر شماره ۵۸: نمونه‌ای از سرستون مرمرین در آثار معماری کاخ‌های عهد عباسی که تحت تأثیر هنر گچبری ساسانی بوده است (کاخ المصنم).

- تصویر شماره ۵۹: سرستون مرمری عصر عباسی در کاخ المتوکلیه که دارای نقوش گچبری ساسانی است.



ترئینی در کاخ تیسفون و نظیر این نقش نیز در یک پلاک گچی کاخ بیشاپور دیده شده است.

پالمت‌های روی این گچبرها بصورت پنج لپی و هفت لپی نیز دیده شده‌اند.

آخرین بنایی را که می‌توانیم بعنوان مثال بارز در این قسمت یاد کنیم، کاخ المتوکلیه است که هنوز پابرجاست. اطاقهای اصلی کاخ و خانه‌های مسکونی اطراف آن، بصورت گچبری و قابسازی تزئین شده است، که گاه در برخی از اطاق‌ها زلف‌هایی در بالای قاب افزوده‌اند. دهانه درگاهها و پنجره‌ها بهمین نحو تزئین شده است. تزئینات کاخ بسیار ساده و بیشتر از ترکیبات طرحهای هندسی بصورت خطوط مستقیم تشکیل یافته‌اند و در بعضی از آنها بصورتی نفیس تر بچشم میخورند. در میانه شکل‌های هندسی، گاهی از نقش گیاهی گل بهره گرفته شده که بوسیله نوارها یا رشته‌های مروارید بهم پیوسته‌اند. نقش خوشه‌های انگور با شاخ و برگ موثر هم پیچیده، نظیر تزئینات ساسانی، در این کاخ دیده میشود. علاوه بر اینها در گچبری دیواری و روی سقف‌های کاخ، گاهی تصویرنگاره یا نقاشی‌هایی از صورت‌های حیوانی و انسانی نقش بسته است که تا حدی نحوه ترسیم هنرمندان ساسانی را القاء می‌نماید.

در کاوشهای سال ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۳ در این کاخ یک قطعه گچبری منقوش بدست آمد که در این قطعه، اردکی را در حالیکه اردک دیگری را در پشت دارد، نشان میدهد و در قطعه دیگری نقش زنی دیده میشود که از دو جهت اقتباس از کارهای ساسانی است، یکی آنکه شیرین را نشان میدهد که گوساله‌ای را بدوش گرفته و افسانه معروف شیرین و فرهاد را بازگو میکند و دوم آنکه نقش این شخصیت و تزئین لباس و رنگ آمیزی آن، بطور واضح نشانه بارزی از سبک ساسانی را جلوه‌گر ساخته است.

۲- تأثیر هنر گچبری ساسانی در آثار هنری بیگانه

با برخورداری از امکاناتی که هنرمندان عهد ساسانی در طرح و اجرای موتیف‌های گچبری در اختیار داشته‌اند، گذشته از نفوذی که در آثار هنری اسلام، خاصه در انواعی از هنر آن عهد که در قسمتی از این فصل بدانها اشاره شد، در بعضی از آثار هنر غربی نیز تأثیراتی را باعث گشته‌اند و بی‌شک می‌توان در پیرامون آن آثار نمونه‌هایی از بدعت‌های عهد ساسانی را ملاحظه نمود. در مجموعه‌هایی که از آثار هنری در کشورهای اروپایی و آسیایی و آسیای غربی باقیمانده است، درخشش اینگونه طرحها بخوبی بچشم میخورد.

در میان اینگونه آثار، نمونه‌هایی از طرحهای حجاری و نقوش برجسته را می‌توان یافت که شباهت تام به آثار ساسانیان دارد و این امر سبب گردید تا ابتکار استفاده از سنگ شفاف و شیشه نیز در تداوم هنرهای سنگی صورت پذیرد. این ماده که از زمانهای پیشین مورد توجه هنرمندان قرار داشته، در عهد ساسانیان نیز جالب توجه بوده است و بعدها در صنعت شیشه‌گری اسلامی جانشین سنگهای شفاف گشت.

معروفترین کار هنری روی سنگ شفاف، جام زرینی است که در خزینه سن دنی ۵۸ بدست آمده و اینک در موزه لوور^{۵۹} پاریس محفوظ است. فرم این جام دارای طرحی از یک پادشاه ساسانی در حال نشسته است، در حالیکه تخت او را اسبان بالدار نگهداشته‌اند. در شهر ونیز یک بشقاب دوری شکل در گنجینه سن مارک^{۶۰} وجود دارد که در آن تزئینات عهد ساسانی رعایت شده است و نیز یک فنجان با تزئین گل وجود دارد که طرحهایی از هنرمندان ایرانی را مجسم ساخته است.

بهمین ترتیب در آثار تزئینات معماری هم از طرحهای گچبری بهره گرفته شده است. گذشته از آن، در موزه‌ها و یا کلکسیونهای خصوصی جهان، آثاری از



- تصویر شماره ۶۰: نقش شیروی در کاگردایره بر روی یکی از منسوجات عهد ساسانی، که تزئینات و نقش هنرهای دوره‌های توران نیز طرح‌های دیگر گاهی اطراف آن پر کرده است.

کنده‌کاریهای گچی وجود دارد که غالب این آثار دارای خط پهلوی بوده و گاه همراه با نقوش جانوران و گیاهان از جمله گل، تظاهریافته‌اند.

اصولاً بسبب موضوع سوق الجیشی که ایران اسلامی در گذشته‌های دور داشته و تقریباً پلی بین اروپا و آسیا بوده است و لذا بصورت صادرات و واردات، هنرمندان، انواع هنر را نیز به کشورهای دیگر صادر و تا حدودی برخی المانها را در هنر خود وارد کرده‌اند. و دلیل اصلی این امر، برخورداری از نزدیکی با جاده ابریشم، و تربیت کرم ابریشم و صدور ابریشم به کشورهای دیگر بوده است و پادشاهان ساسانی که مایل بودند این نوع از منسوجات را در ایران توسعه دهند، با اعزام هنرمندان نتایج به کشورهای دیگر و از جمله سوریه و آوردن هنرمندان آن سامان، رابطه‌ای را برقرار نمودند. بنابراین از نقطه نظر بافندگی ابریشم و قرش نیز باعث شدند که طرحهای ایرانی را در کشورهای دیگر رواج دهند. موتیف‌هایی که در حجاری و از جمله در حجاریهای طاق‌بستان رعایت شده است، الگویی است بر معرفی نقوش روی منسوجات عهد ساسانی و بهمین شکل موضوعاتی که در گچبری و یا کنده‌کاری استفاده شده بود، در روی ابریشم نیز کاربرد پیدا نمود و تجسم داده شد (تصویر شماره ۶۰).

در هزاره اول تاریخ مسیحی، گرایشی نسبت به هنر و سنت‌های ایران بوجود آمد و آن عبارت از تجارت تابلواها و دیگر آثار هنری بود که از شرق به غرب وارد میشد و این امر سبب گردید تا ابریشم نیز برای پوشش اجساد قدسیان، بهمانگونه که در ایران اسلامی نیز رسم گردید و تا کنون ادامه یافته، بکار رود. و همینطور کلیساهای اروپا با خرید آثاری از دوره ساسانی و اقتباس از آنها گرایش خود را نسبت به سنت‌های ایرانی بخوبی جلوه‌گر ساختند. (تصویر شماره ۶۱ نشانگر طرح‌های گچبری ساسانی بر روی یک سرستون سنگی از اسپانیا می باشد)

قدرت و استحکامی که هنر ساسانی از خود برور داد باعث گردید تا با نیرومندی کامل، تاثیر خود را به نقاط خارج از ایران برساند و همانا در بقای این هنر در ممالک اروپایی نیز مفید بود و دامنه اش از چین تا اقیانوس اطلس نیز میرسید، تا آنکه در مغرب زمین نفوذ کامل خود را در هنر قرون وسطی برجای نهاد.

با کلسیای سن ژرمن یا ژرمینی دبره^{۶۱} نزدیک ارلئان^{۶۲} می‌توانیم طرحی از آتشگاههای ساسانی را دریابیم. دیوارهای این آتشگاهها با گچبریهای جالبی تزئین شده‌اند و در برخی از موتیف‌ها، تصاویری از درخت زندگی بگونه‌ای که در حجاریهای طاق‌بستان وجود دارد، بچشم میخورد.

مقبره راهبه اگیلرتا^{۶۳} که در سال ۶۶۵ میلادی وفات یافته است و در سرداب کلیسای ژرار^{۶۴} بین پاریس و شاتو-نیری^{۶۵} مدفون است، نموداری از گچبری و اندودی از گچ را بما عرضه میدارد. اشاره کردیم که در آغاز تاریخ مسیحی، هنرمندان گرایش به انجام سنت‌های ایرانی داشتند؛ خاصه آنکه، در وهله اول نسبت به مغان و بزرگان دین نیز نظر مساعد داشتند و در این اندیشه با توجه به وضعیت دینی و نقوش برجسته‌ای که از اهورامزدا و شاه در ایران داریم، آنان نیز در پرستش مغان خود ابراز وجود نموده‌اند و شاه که در ایران مظهر و نماینده اهورامزدا در روی زمین بوده است، چهره اش بعنوان سرمشق هنرمندان بیزانس، برای تجسم چهره مسیح مورد توجه قرار گرفته است. در نقوش برجسته و گچبریهای کلیساهای فرانسه، چهره مسیح را مجسم ساخته‌اند، در حالیکه در اطرافش فرشتگان و حواریون و پیامبران و نویسندگان انجیل قرار گرفته‌اند. مسیح را در حالیکه انگشت سبابه اش خم شده است، نقش کرده‌اند، که درست شباهت به یکی از سنت‌های قدیمی ایرانیان در عهد ساسانی دارد. موضوعات کنده‌کاری نیز در اروپای مرکزی مورد توجه و تقلید واقع شده‌اند. مشهورترین این کنده‌کاریها، کوزه، زرینی است مربوط به

گنجینه آتیلا^{۶۶} منسوب به قرن هشتم و نهم مسیحی و در آن نقوش کندهکاری با اقتباس از هنر ساسانی بچشم میخورد.

در آسیای مرکزی نیز هنر ساسانی مورد توجه قرار گرفت و هنرمندان در آثار گچبریهای اعقاب مقدسه بودایی از این هنر استفاده کردند و هم چنین در مصر و بیزانس نیز در بافت فرش و پارچه، از موتیف های گچبری فیض برده اند. در سایر قسمت های دیگر خارج از ایران نیز آثار دیگری که دارای طرح و رنگ و بسوی ایرانی و ساسانی باشد بدست آمده است. از جمله در بررسی آثار مکشوفه در ناحیه سُغد، کاخی بدست آمده است که متعلق به سده ۳ تا ۶ میلادی می باشد و بقایایی از گچبری و نقاشی های دیواری، نفوذ هنر گچبری ساسانی را در این منطقه نشان میدهد.

در توپراک قلعه^{۶۷} نیز کاخی بدست آمده است که متعلق به سده سوم میلادی میباشد. در این کاخ، مواد گچبری بسیار گرانبهای کشف شده است که نشانگر تمدن و هنر خوارزم قدیم می باشد. ساختمان کاخ شامل تالارهای متعددی است که زینت بخش آنها موتیف های گچبری الوان است. در تالارها نیز مجسمه هایی از شاهان وجود داشته و در طاقچه ها، مجسمه خدایان جای میگرفته اند که نمودار استمرار سنت های محلی است که قدمت آن به آثار نیسای باستانی (یا نسا نزدیک کاشان) در دوران پارتها میرسد.

در یکی دیگر از تالارهای این کاخ که بنام تالار گوزن ها نامگذاری شده است، یک ردیف گوزن را که اندکی کوچکتر از حد طبیعی می باشند، به رنگ بلوطی بر روی زمینه آبی نقاشی کرده اند و در واقع این حیوان همان نقش گوزنی است که بر روی ظروف نقره ای و طلایی ساسانی حک شده و آخرین نوع بازمانده آن، در حفاریات اخیر در شهر شوش بدست آمده است^{۶۸}.

حال که نامی از توپراک قلعه بمیان آمده، لازم است به آثار هنری دیگری در ماوراء النهر اشاره نمایم و به

- تصویر شماره ۶۱: یک سرستون سنگی منسوب به سبک مغربی اسپانیا که نشانگر طرحهای گچبری ساسانی می باشد.

گفتار خویش خاتمه دهم.

با توجه به اهمیت خاص سیاسی و اقتصادی و^{۶۲} بازرگانی سرزمین ماوراء النهر در دوران ساسانی، و گذشتن جاده ابریشم که ذکر آن گذشت، در بسیاری از مناطق ماوراء النهر، شهرها و محل های مسکونی عظیم و گسترده ای نیز بر پا گشت که نمونه های جالب توجه بالالیک تپه لژ منطقه ورخشا^{۶۱}، ویرانه های افراسیاب و منطقه باستانی پنج کنت را می توان نام برد^{۶۱}.

آثار دیگری بنام «قصر بخارا خدا» یا «کاخ حاکم بخارا» نیز در این شهر بدست آمده که حدود ۱۹ متر ارتفاع دارد و مجموعه وسیعی از بناهای مختلف بطور جدا از هم ساخته شده اند. در کاوشهای این کاخ، آثار فرسک^{۶۲} یا دیوار نگاره و مقداری گچبری با طرحهای ساسانی، در یک پیشخوان و تالارهای سه گانه و نیز تالار سرخاقم و تالار شرق و غرب بطرز زیبایی بکار گرفته شده است.

در بالالیک تپه و پنج کنت^{۶۳}، کمتر آثار تزئینی دیده شده و منحصراً آثار معماری با المان عهد ساسانی در آنجا کشف گردیده است.

امید است با تلاش های پیگیر در بررسی ها و حفاریات آینده، آثار دیگری از این هنر تزئینی بدست آید، تا نسل های آتی را در جهت شناختن هنر گچبری یار ویاور باشد. انشاءا...

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



فهرست منابع و مآخذ

الف: کتابها

- ۱- کتاب هنر ایران، پارت و ساسانی
- ۲- کتاب هنر ایران
- ۳- کتاب باستانشناسی ایران باستان
- ۴- کتاب تأثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی
- ۵- کتاب هنر ایران از آغاز تا اسلام
- ۶- کتاب هنر ایران در دوران اسلامی
- ۷- کتاب هنر ایران
- ۸- کتاب آثار مهم تمدن ایران شرقی
- ۹- کتاب شهرهای باستانی سواحل و بنادر خلیج فارس
- ۱۰- کتاب راهنمای صنایع ایران
- ۱۱- کتاب هنرهای قدیمی ایران
- ۱۲- کتاب سهم ایران در تمدن جهان
- ۱۳- کتاب تاریخ هنرهای مصر جلد ۱ و ۲
- ۱۴- کتاب نگاهی به معماری ایران
- ۱۵- کتاب گزارشهای باستانشناسی در مجمع سالانه مرکز باستانشناسی
- ۱۶- کتاب شاهکارهای هنر ایران
- ۱۷- کتاب عوامل تزئینی در گچبریهای دوران ساسانی
- ۱۸- دانشکده علوم - رشته زمین شناسی - کتابخانه دانشکده
- ۱۹- مجموعه خاورشناسی - کتاب تمدن ایرانی
- ۲۰- میراث ایران
- ۲۱- تاریخ صنایع اسلام
- ۲۲- تمدن ساسانی
- ۲۳- ساسانیان
- ۲۴- کتاب گزارشهای باستانشناسی جلد ۱ تا ۴ تهران - سال ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۸
- ۲۵- تحقیقاتی درباره ساسانیان
- ۲۶- بحثی در سفال
- تألیف رمان گریشمن
- تألیف آندره گدار
- تألیف لویی واندنبرگ
- تألیف دکتر عباس زمانی
- تألیف رمان گریشمن
- تألیف رمان گریشمن
- تألیف آرتور ایهام پوپ
- تألیف تولستوو
- تألیف دکتر احمد اقتداری
- تألیف دیماند
- تألیف دیولانوا
- شرکت ملی نفت ایران
- تألیف علینقی وزیر
- تألیف محمد تقی مصطفوی
-
- تألیف آرتور ایهام پوپ
- تألیف یورگیس مالتروسایس
- (معرفی چند کتاب جهت شناسایی گچ)
- تألیف دکتر بهنام
- تألیف ده نویسنده خارجی
- تألیف دکتر ذکی محمد
- تألیف سعید نفیسی
- تألیف پرفسور عباس مهرین
-
- ترجمه دکتر کاظم زاده
- تألیف دکتر عنایت الله رضا
- ترجمه دکتر بهرام فره‌وشی
- ترجمه بهروز حبیبی
-
- ترجمه دکتر محمد معین
- ترجمه دکتر محمد معین
-
-
- ترجمه دکتر فریار
-
-
-
- ترجمه دکتر پرویز ناقل خانلری
-
-
- ترجمه ده نویسنده ایرانی
-
-
-
-
-

ب: مجلات

- ۱- مجله هنر و مردم شماره صد و یازدهم مقاله «تداوم در معماری ایران» نگارش دکتر تجویدی سال ۱۳۵۰
- ۲- مجله هنر و مردم شماره صد و پنجاه مقاله «سخنی چند درباره آثار معماری ساسانی در ماوراءالنهر» نگارش آقای دکتر پرویز رجواند.
- ۳- مجله هنر و مردم شماره ۱۶۵ و ۱۶۶ مقاله «معماری ساسانی» نگارش علی سامی سال ۱۳۵۵
- ۴- مجله بررسیهای تاریخی مقاله «تأثیر هنر هخامنشی بر آثار هنری عصر ساسانی» نگارش دکتر ملک زاده

حواشی:

- | | | |
|-------------------|----------------|-------------|
| 1- Stucco | 2- Motif | 3- Kish |
| 4- plamira | 5- Stylize | 6- Realist |
| 7- Helle nistic | 8- Naisa, Nesa | 9- palemtte |
| 10- chal-tar.khan | 11- Rozet | 12- Kongere |
| 13- chalipa | | |
| 14- lotoss | | |

- ۱۵- کتاب هنر معماری ایران، تألیف پرفسور ایهام پوپ، ترجمه غلامحسین صدیقی افشار- تهران ۱۳۴۶
- ۱۶- گچبری روی محراب و برج های مقبره الجایتو در بسطام شاهرود از این مزیت برخوردار است.

۱۷- کتاب «شاهکارهای هنر ایران» تألیف پروفیسور آرتور ایهام پوپ، ترجمه دکتر خانلری، سال ۱۳۳۸، صفحه ۷۲
 ۱۸- مقاله «تزیینات گچبری در قلعه یزدگرد» نوشته دکتر ادوارد کیلی، تزیینات نگارنده.

19- Symbolic	20- Anahita	21- Tablet
22- Decorative	23- Berlin	24- Metropolitan
25- Démorgan	26-27 Sasanian Stucco A Ornamental. A. O. Pupe	
	۲۸- کتاب شهرهای باستانی سواحل و خلیج فارس و دریای عمان، نوشته احمد اقتداری، سال ۱۳۴۸، تهران صفحه ۸۲۵ و ۸۱۷.	
	۲۹- کتاب «هنر ایران» نوشته آرتور ایهام پوپ جلد ۱ به انگلیسی (شماره ۵ و ۶ زیرنویس)	
30- Coranty	31- Acantos: Acant	
	۳۲- کتاب «باستان شناسی ایران باستان» تألیف دکتر یولی واندربرگ، ترجمه مرحوم دکتر عیسی بهنام، ص ۵۵	
33- pillas	34- Volot	35- Untario
36- Edward Kail	37- Tiareh	38- position
39- Byzantine		
	۴۰- کتاب «هنر ایران»، تألیف آندره گدار، ترجمه بهروز حبیبی، صفحه ۲۹۸	
	۴۱- کتاب «تأثیر هنر ساسانی در هنرهای دوران اسلامی» تألیف مرحوم دکتر عباس زمانی، صفحه ۵	
42- palace al Mshatta	43- samarra	44- Stucco
	۴۵- کتاب «تاریخ راهنمای صنایع ایران» تألیف دکتر دیمانند، ترجمه دکتر عبدالله فریار ص ۹۴	
	۴۶- همان کتاب صفحه ۹۶	
47- Gobaira	48- Oriental	49- Stamp
50- Etefan		
	۵۱- کتاب «تأثیر هنر ساسانی در آثار هنرهای اسلامی»، تألیف دکتر زمانی، صفحه ۲۸ و ۲۹	
	۵۲- هنر اسلامی (Islamic Art. David talbot Rice. P. 13)	
	۵۳- کتاب «هنرهای قدیمی ایران»، تألیف سارسل بیچلا فوا، درباره تزیینات کاخ عثمان، صفحات ۹۷، ۱۰۲، ۱۰۶ به زبان فرانسه، اشاراتی درباره تزیینات و رابطه گچبری این کاخ با کاخ فیروز آباد دارد.	
	۵۴- کتاب «معماری ایران»، تألیف آرتور ایهام پوپ، ترجمه غلامحسین صدری افشار ص ۵۸	
	۵۵- کتاب «تأثیر هنر ساسانی در آثار هنری اسلام» تألیف دکتر زمانی، صفحه ۴۰	
56- palace Al-Mshatta		
	۵۷- هنر اسلامی (Islamic Art, David Talbot Rice. P. 22)	
58- sandeni	59- lourre	60- san Marcko
61- san jerman jerming de'bare	62- orleann	63- Agilberta
64- Jerear	65- Shatto Nirie	66- Attila
67- TaprackQal'eh		
	۶۸- کتاب «سهم تمدن ایران شرقی»، تألیف تولستوو، دانشمند روسی که در این باره نگاهشته شده است	
69- Balalik tēpe	70- Varakhesh	
	۷۱- کتاب «آثار معماری ساسانی در ماوراء النهر»، تألیف دکتر پرویز ورجاوند.	
72- Fresck	73- Pingicont Binjicont	